هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
غیظ دشمن
و
قهر طبیعت
ص۲

در طی هفته های اخیر
چندین شهروند خارجی
به اسلام مشرف شدند
ص۵

د نشه ئي توکيو په قاچاق
کی ککړ لوړ رتبه چارواکي
ولي نه افشا کيږي
۳ مخ

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۱۳ چهارشنبه ۱ سرطان ۱۳۸۴ ۱۵ جمادی الأول ۱۴۲۶ - 22 June 2005

تصمیم جمعی کنفرانس دوحه

فقر زدایی ، توسعه و انکشاف کشورها



دومین کنفرانس سران کشور های جنوب و گروه (۷۷) وچین که به تاریخ ۲۵جوزا در دوحه پایتخت کشور قطر برگزار شده بود با صدور قطعنامه یی به روز پنجشنبه ۲۶جوزا به پایان رسید.

دراین اجلاس بزرگ ، سران و نمایندگان (۱۳۲) کشور روبه انکشاف ، کمتر انکشاف یافته و فقیر جهان اشتراک نموده بودند. کار کنفرانس با سخنرانی شیخ محمد بن خلیفه آل ثانی امیر کشور قطر آغاز یافت و سپس برخی از سران و نماینده گان کشور های اشتراک کننده در سخنرانی های شان از مشکلات و معضلات کشورهای خود و سایر کشورهای روبه انکشاف یاد کردند و در پاره یی از موارد برای بیرون رفت از وضعیت موجود، راه حل هایی نیز پیشنهاد نمودند.

هدف اساسی کنفرانس دوحه را حمایت از رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور های رو به انکشاف تشکیل می داد . چنانچه امیر قطر در سخنرانی خود به این نکته اشاره کرد که توسعه و انکشاف برای مجموعه ص۳

کار اعمار یک پل میان آسیای میانه و جنوب آسیا آغاز گردید

سنگ تهداب پلی که افغانستان را در منطقهٔ شیرخان بندر با تاجیکستان وصل می کند روز شنبه ۲۸ جوزا توسط حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان و امام علی رحمانوف رئیس جمهوری تاجیکستان گذاشته شد.



این پل که ۶۷۲ متر طول و ۱۱۶ متر عرض دارد به مصرف ۴۰ میلیون دلار از مساعدت امریکا در مدت یک و نیم سال اعمار می گردد.

آقای حامد کرزی در مورد اعمار این پل گفت: این پل در رشد و توسعهٔ فرهنگ و تجارت میان دو کشور برادر یک گام مؤثر و تاریخی می باشد.

وزیر فواید عامه تهداب گذاری این پل را در زمینهٔ ترانسپورت و تجارت با ارزش و مهم خواند و گفت: این پل کشور های محاط به خشکهٔ آسیای میانه-را از طریق افغانستان به بنادر بحری و جنوب وصل می کند.

در این مراسم آقای خلیلزاد سفیر امریکا که ماموریتش در افغانستان به پایان رسیده است نیز حضور داشت. در همین روز تعمیر گمرک شیرخان بندر نیز رسماً گشایش یافت.

حامد کرزی در دیدار با شماری از اعضای شورای سراسری علمای افغانستان:

دیگر زمان بیچارگی افغانستان گذشته است

آقای حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان روز جمعه ۲۷ جوزا با تعدادی از اعضای شورای علمای افغانستان در باغ ارگ دیدار کرد و در مورد دخالت همسایه ها در امور داخلی کشور به تفصیل صحبت نمود.

حامد کرزی گفت: این دشمنی از حالا نیست بلکه از سال ها پیش آغاز گردیده است و تا همین اکنون نیز ادامه دارد. وی گفت: آنها باید بدانند که دیگر زمان بیچارگی افغانستان گذشته است. افغانستان امروز کشور برخاسته ص۳

از سوء قصد علیه جان زلمی خلیلزاد جلوگیری شد



سه شهروند پاکستانی که قصد داشتند علیه جان زلمی خلیلزاد سفیر و نمایندهٔ خاص رئیس جمهور امریکا در افغانستان سوء قصدی را انجام دهند توسط نیروهای امنیتی در ساحات سرخکان ولایت لغمان دستگیر شدند.

آقای خلیلزاد روز یک شنبه ۲۹ جوزا جهت گشایش تیم بازسازی ولایتی پی. آر. تی عازم ولایت لغمان گردیده بود.

دستگیر شدگان عبدالعلیم فرزند عبدالله، مراد خان فرزند سریر خان از پشاور و زاهد فرزند عمر سعید از صوابی مانسهره می باشد. به گفتهٔ یک منبع امنیتی این افراد که از طریق مرز پاکستان وارد افغانستان شده اند منتظر واسکت های انتحاری از پاکستان بودند و به دلیل دیر رسیدن واسکت ها تصمیم گرفتند با سلاح اقدام به ترور خلیلزاد نمایند. به گفتهٔ همین منبع در یک سال اخیر مجموعاً سی و هفت تن از شهروندان پاکستانی هنگام اجرای عملیات تخریبی و انتحاری در مناطق مختلف افغانستان دستگیر شده اند.

دوازده نفر حافظ قرآن کریم از دارالحفاظ مارشال فهیم فراغت یافتند

دوازده نفر حافظ کل قرآن کریم، به روز جمعهٔ گذشته ۲۷ جوزای سال جاری، از مدرسهٔ دار الحفاظ مارشال محمد قسیم فهیم وزیر پیشین دفاع ملی افغانستان فارغ التحصیل گردیدند.

در همایش بزرگی که به همین مناسبت، در محوطهٔ مسجد جامع عمرض ولسوالی حصهٔ اول پنجشیر برگزار شده بود، مارشال فهیم وزیر پیشین دفاع ملی، حاجی بهلول والی ولایت پنجشیر، علما، روشنفکران و جمع غفیری از مردم آن ولایت اشتراک ورزیده بودند.

محفل با تلاوت آیاتی چند از کلام پروردگار، آغاز شد وپس از آن عده یی از علما و روشنفکران، دربارهٔ فضیلت قرآن کریم ونقش هدایت گرانهٔ آن در جوامع انسانی، به ایراد سخن پرداختند و مسؤولیت حافظان قرآن عظیم را در جامعه برجسته ساختند. آقای سید ناصر تقدسی یکی از کاندیداهای مردم پنجشیر برای ولسی جرگه هم از سخنرانان این همایش بود که در قسمتی از سخنان خود، به نقش قرآن کریم در خوشبختی جامعهٔ بشری اشاره کرد و گفت: بدون شک قرآن کتاب آسمانی، برنامهٔ مترقی زندگی و نسخهٔ شفا بخش بشریت است، هر قوم و ملتی که احکام و دساتیر آن را در زندگی فردی و اجتماعی خود، به عنوان قانون تغییر ناپذیر الهی قبول کند، خوشبخت وسعادتمند خواهد شد و برعکس، بی توجهی در برابر این کتاب بزرگ، موجب ذلت و سرافگندگی خواهد بود. ما در گذشته های نه چندان دور و در همین چند سال پیش، آثار و نتایج عمل کردن به قرآن کریم را تجربه کردیم و دیدیم که چگونه این کتاب مقدس در دوره های جهاد و مقاومت مردم مسلمان افغانستان را علیه تجاوزگران بسیج کرد و برای این کشور که قبل از جهاد نام و نشانی نداشت شهرت جهانی بخشید وملتش را به عنوان یک ملت قهرمان و مدافع حقوق انسان های مستضعف، درمیان سایر ملت ها سربلندی داد. و امروز هم که کشور ما وارد مرحلهٔ جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی خود شده است ص۶

تعهد حزبی و ماموریت دولتی

ص۲

مهلت جدید برای ثبت نام رأی دهندگان

دفتر مشترک تنظیم انتخابات مهلت جدیدی را، برای ثبت نام کسانی اعلام کرده است که به سن ۱۸ سالگی رسیده اند یا به تازگی از خارج به افغانستان برگشته اند.

این مهلت از ۲ سرطان تا ۲۹ آن ادامه می یابد. در این مدت مراکز ثبت نام در تمامی ولسوالی های افغانستان باز خواهد بود.

بر اساس گزارش این دفتر هشتاد مرکز ثبت نام برای کوچی ها نیز گشایش خواهد یافت.

آدرس
مجاهد
در اینترنت
Website:
www.mujahid1357.com
E-mail:
Mujahid1357@Yahoo.com

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۰۲۰۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

غیظ دشمن و قهر طبیعت

برگزاری موفقانهٔ انتخابات ریاست جمهوری در میزان سال گذشته و آمادگی ها برای تدویر انتخابات آینده جهت گزینش اعضای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی، نشان دهندهٔ ثبات وضع و استقرار در کشور ما بود که در کنار کاستی ها و ناتوانی های دولت، عزم ملی را در مسیر بخشیدن شتاب به آهنگ رو به رشد مشروعیت دولتی و حاکمیت ملی بازتاب می داد و امیدهای تازه یی را در دل های رنجکشیدهٔ مردم ما بارور می ساخت.

دشمنان داخلی و خارجی صلح و ثبات در افغانستان با ملاحظهٔ موفقیت های اندک و نه چندان چشمگیر مردم مقاوم و صلح دوست ما، سر از پاگم نموده و وارد مرحلهٔ جدیدی از ارعاب و دهشت افگنی گردیده اند و با توسل به ترور و انفجار، خصلت ضد دینی و ضد بشری خویش را بیشتر از پیش به نمایش گذاشتند و در ادامهٔ فتنه های چند سال اخیر و قرار گرفتن در برابر دولت اسلامی مشروع وقت، ثابت ساختند که طرح و آجندایی جز وحشت و ترور ندارند و خود نمونه های کامل وعینی شر و فساد می باشند.

حامیان خارجی این گروهک متحجر و دهشت افگن ادعا داشتند که دولت اسلامی و جبههٔ متحد خصم آشتی نا پذیر این ها اند و پس از انتقال قدرت می گفتند که حذف و بی نقش گردانیدن افراد مهم دولت مجاهدین و بعد جبههٔ متحد زمینه ساز آشتی و نزدیکی طالبان با دولت انتقالی خواهد بود... ولی بالآخر دیده شد که اینان با مردم افغانستان مشکل دارند و جز ترور و دهشت افگنی راه دیگری را در پیش نمی گیرند.

همچنین مذاکرات دولت با بعضی از جهت ها و فراکسیون های طالبان به جای به سر عقل آمدن و ترک مخاصمت و پرهیز از خشونت و رو آوری و پیوستن به فرایند توسعهٔ سیاسی، غیظ و غضب آنان را بیشتر ساخت تا جایی که ما در هفته های اخیر شاهد چندین واقعهٔ ترور و انفجار و یا تلاش برای ترور و انفجار و پرتاب راکت در چندین نقطهٔ کشور بودیم.

همزمان با فعالیت تروریست ها در جنوب کشور که غیظ دشمنان صلح و آرامش در سرزمین محبوب ما را به گونه های ترور و انفجار نشان داد، قهر طبیعت در شمال کشور و به خصوص در بدخشان و بغلان با سیلاب های ویرانگر و آب خیزی های مدهش، تلفات و خسارات زیادی را موجب گردید. ده ها تن کشته، صدها خانه ویران و هزاران جریب زمین زراعتی آسیب دید.

این دو بلا و آفت، توان، ظرفیت و کار آیی حکومت را به چالش می طلبد ولی با این تفاوت که اولی یعنی ترور و انفجار تا حدودی قابل پیشگیری و صدمات آن جبران نا پذیر و دومی غیر قابل پیش بینی و یا پیشگیری ولی خسارات آن تا حدود زیاد قابل جبران است و دولت باید با هر دو بلا و آفت به مبارزهٔ جدی و قاطع بپردازد.

دولت در مبارزه با تروریزم و جلوگیری از همچو حوادث می تواند تلاش و همکاری جدی نیروهای آیساف و ائتلاف را با تلاش ها و فعالیت های اطلاعاتی و امنیتی خویش همگام و همآهنگ نماید و همچنین در مورد دوم جهت رسانیدن کمک های عاجل به مناطق آسیب دیده درپهلوی جمعیت افغانی سره میاشت، مساعدت های سایر مؤسسات خیریهٔ داخلی وبین المللی را نیز جلب نماید و به داد مردم مصیبت دیده برسد.

با این امید که در آینده بیشتر از این شاهد غیظ دشمن و قهر طبیعت نباشیم.

تعهد حزبی و ماموریت دولتی

محمد نسیم فقیری

نظام نوپای سیاسی کشور ما مبتنی بر دموکراسی و تعدد احزاب سیاسی است. ولی با آنهم سؤال مغایرت و یا عدم مغایرت تعهد حزبی و ماموریت دولتی مطرح می گردد.

این موضوع مهم یعنی تعهد جزبی و ماموریت دولتی را می توان در ده مورد به قرار ذیل به بحث و بررسی گرفت:

۱- عضویت در حزب حاکم

عضویت در حزب حاکم نه تنها مشکل آفرین نیست بلکه یک امتیاز و دارای منافع زیاد نیز می باشد. در کشورهایی که فقط یک حزب رسمیت دارد و نظام یک حزبی در آن حاکم است، اراکین نظام همه و یا اکثریت قریب به اتفاق آنان متعلق به حزب حاکم می باشند و حتی صاحب منصبان اردو و اعضای بلند پایهٔ قوهٔ قضائیه و سارنوالی نیز از این قاعده مستثنی نمی باشند.

بارز ترین نمونه های نظام یک حزبی توتالیتر و دیکتاتور را در کشورهای کمونیستی سابق، رژیم خلق و پرچم و رژیم های بعثی در کشورهای عربی و رژیم های کنونی کشورهای آسیای میانه و قفقاز می توان مطالعه نمود.

در این نوع نظام ها که معمولاً با کودتا های عسکری روی کار می آیند، و با زور، استبداد، سرکوب و اختناق به حیات خویش ادامه می دهند، فقط یک حزب رسمیت دارد وبس.

اکثر اعضای حزب را به خصوص در سطوح پایین، کارمندان دولت تشکیل می دهد و اینان بقای ماموریت خویش را در تعهد و عضویت حزبی می دانند وبا سرنگونی این رژیم، هزاران و حتی ده ها هزار عضو، بیزاری خویش را از این حزب مترقی و پیشتاز اعلام می نمایند. همچنین در اکثر موارد، این احزاب پس از سرنگونی رژیم ها، به خودی خود منحل گردیده و بساط آن برچیده شده و به آرشیف تاریخ سپرده می شوند.

۲- ماموریت با معرفی حزب

در نظام هایی که تعدد احزاب سیاسی به رسمیت شناخته شده است، رؤسای دولت ها یا حکومت ها به خاطر تأمین اصل مشارکت، از حزب یا احزاب دیگر دعوت می نمایند تا افرادی را جهت عضویت در کابینه و یا رده های پایینی معرفی نمایند و یا در صورت وجود تفاهم و همکاری میان دولت و حزب و یا احزاب، افراد توسط حزب برای احراز کرسی های مشخص و یا توظیف در سمت های مختلف طبق صوابدید دولت معرفی می گردند. این امر از یک طرف نشان دهندهٔ وسعت دید و عمل دولت و از سوی دیگر وجود تفاهم، تساند و همکاری میان دولت و حزب یا احزاب می باشد. فرقی نمی کند که رئیس دولت یا حکومت خود رهبر یا عضو کدام حزب سیاسی باشد و یا نه!

همچنین در نظام های پارلمانی، حزب اکثریت در صورت لزوم با سایر احزاب، حکومت ائتلافی را تشکیل می دهد و ترکیب کابینه و توزیع پست ها بر اساس توافق میان ارکان همان ائتلاف شکل می گیرد.

۳- ماموریت با موافقت حزب

این یک مورد دیگر بحث تعهد حزبی و ماموریت دولتی است. در نظام هایی که بر اساس ائتلاف تشکیل نشده اند وهمچنین میان دولت و حزب و یا احزاب هیچ نوع قول و قرار و تعهدی نیز وجود ندارد. افراد بلند پایهٔ احزاب می توانند با موافقت رهبری حزب خویش، پست های مهمی در دولت داشته باشند و این یک مورد خاص دیگر و خارج از دعوت توسط دولت و یا معرفی توسط احزاب می باشد.

در نظام های پارلمانی، حزب اکثریت در صورت لزوم با سایر احزاب، حکومت ائتلافی را تشکیل می دهد و ترکیب کابینه و توزیع پست ها بر اساس توافق میان ارکان همان ائتلاف شکل می گیرد

۴- ماموریت بدون اطلاع ویا موافقت حزب

بعضی اوقات اتفاق می افتد که یک عضو و یا از ارکان حزب بدون موافقت و یا اطلاع حزب، مقام و یا کرسی مهمی را احراز می نماید که احتمال دارد بعداً با موافقت و یا مخالفت و یا بی تفاوتی حزب رو به رو گردد. در این مورد سازمان و تشکیلات حزبی و رابطهٔ فرد و حزب از یک سو و رابطهٔ دولت و حزب از سوی دیگر حایز اهمیت می باشد.

۵-ماموریت باوجودمخالفت حزب

گاهی دیده می شود که یک عضو بلند پایهٔ حزب علی رغم مخالفت حزب، پست مهمی را به شمول عضویت در کابینه، می پذیرد و یا برای به دست آوردن آن تلاش می نماید که در این صورت با در نظر داشت وزن و اعتبار شخص و رابطهٔ دولت و حزب، واکنش های متفاوتی را

در صورت وجود تضاد و مخالفت میان حزب و دولت و یا عدم موافقت حزب با ماموریت یک فرد، فقط یک راه وجود دارد وشخص متخلف مجبور است تا یکی از این دو گزینه را انتخاب نماید: حزب یا دولت؟

به دنبال خواهد داشت که شامل اخراج از حزب، تنزیل موقف، بی تفاوتی و نادیده گرفتن و اغماض خواهد بود.

۶- بریدن ازحزب و پیوستن به حاکمیت

در صورت وجود اختلاف و تضاد میان حزب و دولت، بعضی از افراد و یا اراکین یک حزب به دلیل مخالفت با سیاست حزب به خصوص در برابر دولت و بیشتر به دلیل داشتن و یا به دست آوردن یک پست و یا مقام دولتی، با احزاب خویش قطع علاقه می نمایند و به حاکمیت می پیوندند که نمونه های فراوان آن را در تاریخ دیروز و امروز کشور ما و کشورهای همسایه می توان دید.

۷- ایجاد فراکسیون جدید در حزب و پیوستن به حاکمیت

این مورد، بیشتر در نظام های پارلمانی اتفاق می افتد و افرادی از احزاب اقلیت، تعهد و وابستگی حزبی خویش را زیر پا گذاشته و به خاطر نیل به کرسی و مقام فراکسیون پارلمانی را تشکیل داده و با حزب دارای اکثریت، ائتلاف می نمایند.

این مورد، یکی از معایب کلی و غیر قابل علاج نظام های پارلمانی است زیرا افراد با تکت یک حزب و با استفاده از سمبول و نفوذ رهبری حزب و یا محبوبیت حزب در جامعه، وارد کارزار انتخابات می گردند و پیروز می شوند ولی رأی مردم را زیر پا گذاشته و به حاکمیت و یا حزب حاکم می پیوندند، در حالی که مردم این عمل را خیانت و جفا تلقی می نمایند. نا گفته نباید گذاشت که احتمال دارد ـ هرچند بسیار کم ـ که همچو افراد با وجود انتساب به یک حزب بیشتر از لحاظ شخصیت ذاتی خود در انتخابات برنده شده باشند و نام و نشان و مرام و رهبری حزب در پیروزی آنان نقش چندانی نداشته باشد.

۸- انتخاب یکی از این دو: دولت یا حزب؟

در صورت وجود تضاد و مخالفت میان حزب و دولت و یا عدم موافقت حزب با ماموریت یک فرد، فقط یک راه وجود دارد وشخص متخلف مجبور است تا یکی از این دو گزینه را انتخاب نماید: حزب یا دولت؟ که در صورت اول از ماموریت دولتی منصرف می گردد و به تعهد حزبی خویش استوار باقی می ماند و در حالت دوم، تعهد حزبی را زیر پا گذاشته و با حزب وداع گفته و قطع رابطه می نماید.

۹- ماموریت دردولت های مخالف

در این صورت با آن که حزب و دولت مخالف یکدیگرند ولی در قسمت استخدام و اشتغال یک رکن حزب نه از سوی دولت ممانعت وجود دارد و نه طرف اعتراض حزب قرار می گیرد و در این جاست که با وجود مخالفت حزب با دولت، یک فرد متعهد حزبی به ماموریت خویش در دولت ادامه می دهد و یا جدیداً استخدام می گردد.

۱۰- ماموریت دردولت های موافق

در این حالت که شرایط برای استخدام، توظیف و احراز یک پست و مقام، بسیار سهل، ساده و سازگار است، افراد حزبی می توانند مشاغل مختلفی در دولت داشته باشند وبسیار احتمال دارد که در نتیجهٔ تفاهم قبلی و تصمیم مشترک رهبری دولت و رهبری حزب، مقام و منصبی به آنان داده شود و این امر سبب می گردد تا رابطهٔ نیک و روحیهٔ همکاری و اعتماد میان حزب و دولت روز به روز بیشتر و قوی تر گردد و نمونه های خوبی باشد از تحقق مشارکت ملی و مردم سالاری در یک دولت ملی و فراگیر.

و نکتهٔ آخر این که قانون اساسی کشور ما حتی به وزرا و رئیس جمهور اجازه می دهد که عضویت احزاب سیاسی را داشته باشند ولی با این قید که از مقام خویش برای منافع حزبی نباید استفاده نمایند.

ضرورت تفکر جدید سیاسی در افغانستان

پوهنمل عبدالعلی کوهی

گفته می شود که افغانستان در پایین ترین درجهٔ آزادی های سیاسی و مدنی قرار داشته است. در این کشور از سپیده دم قرن بیستم برخی از تجربه های ناکام در جهت دموکراتیزه ساختن کشور و تفکر جدید سیاسی وجود داشته است. اما آنچه تجربهٔ دموکراسی و تفکر جدید سیاسی را در کشور با موانع مواجه ساخته است، از یک طرف کمبود نهادها و مؤلفه های دموکراسی و جامعهٔ باز سیاسی است و از جانب دیگر نبود یک دکترین قابل قبول برای انتشار نظام دموکراتیک در کشور؛ زیرا دراین کشور، فرهنگ سراسری ملی وجود ندارد. و موجودیت فرهنگ های پراگنده و قبیله یی مانع رشد فرهنگ سراسری در کشور گردیده است. با این موازات باور های سیاسی نیز در کشور ریشه گرفته است. امروز جای دارد که این مظروف های کوچک فرهنگی جایش را به یک فرهنگ سراسری ملی خالی نماید و تفکر سیاسی ملی در مبارزات سیاسی جای باز کند. این کار به حرکت سازمان یافتهٔ جمعی نیاز دارد، بنا بر این ما به یک تفکر ملی ضرورت داریم که مبنای آن ارزش های ملی، مفاد دموکراسی و دموکراتیزه کردن جامعه است، فرایند این دموکراتیزه ساختن، کنترل قدرت سیاسی و نظارت بر اعمال زمامداران تعریف شده است. در افغانستان روند تشکل احزاب سراسری ملی نظر به دلایل گونه گون و عدم تحقق اصلاحات نظام اداری نهایت بطی بوده است. زیرا تنها روشنفکران ملی اند که در کنار نیروهای دموکرات کشور، قادر می گردند تا چنین تهدابی را اساس بگذارند که خوداساس تفکر جدید سیاسی را به وجود می آورد. اما تشکل ورهبری این احزاب باید در خود ارزش های دموکراتیک را داشته باشد، و رهبری آن از طریق انتخابات برگزیده شود ، در غیر آن این گونه احزاب به دیکتاتوری های دوران خود تبدیل می گردند تجربه یی که حزب دموکراتیک خلق به رهبری نور محمد تره کی به وجود آورد ومستبد ترین جلادان قرن از این حزب سربیرون کشیدند. با وجود آن که این حزب شعارهای عدالت اجتماعی، محو استبداد و غیره واژه های خوب را نشانه گرفته بود. امروز منتقدان سیاسی در کشور این سؤال را مطرح نموده اند که انتخابات پارلمانی در کشور، دموکراتیک خواهد بود، یا خیر؟ آیا انتخابات هدف سیاسی اش را که تحقق دموکراسی است، تأمین کرده می تواند؟ آیا پارلمان آیندهٔ افغانستان، یک ارگان قانونگذار و سازنده خواهد بود و یا به منبع وحشتناک تشنج و بحران سیاسی مبدل خواهد شد؟

این کار در صورتی تحقق می پذیرد که شبکهٔ جامعهٔ مدنی توسعه یابد و روشنفکران در یک چتر و خط ملی که گذشته را بشناسند و بر پایه های آن آینده را رقم زنند حرکت نمایند. اما آنچه امروز جوانان و روشنفکران ما از آن رنج می برند، همانا تنگ بودن عرصهٔ فعالیت آنان است، که نظر به تنگناهای اقتصادی و مالی و شرایط دشوار گذار و رقتبار اقتصادی، آن ها نمی توانند قدم های استوار بردارند و به تشکل های سیاسی و فرهنگی در مرکز و ولایات بپردازند. زیرا تشکلات گستردهٔ سیاسی به امکانات مالی نیاز دارد به همین منظور منطق انتخابات در کشور می رساند که نقش روشنفکران در هر تصمیم گیری سیاسی کمرنگ خواهد بود.

انکشاف متوازن در کشور وجود ندارد و قانون اساسی بر تمام قلمرو کشور یکسان تطبیق نمی گردد و یا تطبیق آن مربوط به ارادهٔ اولیای امور کشور است. در چنین اوضاع واحوال، ایجاد تفکر جدید سیاسی که همان روحیهٔ شهروندی در مملکت است به مشکل شکل می گیرد

به جهت عدم یک استراتژی روشن و درک سطحی از واقعیت های جامعه، در این سه سال اخیر دولت مرکزی نتوانست دست کم در جهت تفکر جذبهٔ سیاسی در کشور گام بردارد و سیاست های یک بام و دو هوا را ترک بگوید، افراد غیر مسلح مسؤول و تریاک سالار که عمدتاً از سوی مقامات عالی دولت حمایت و رهبری می گردند، اقتصاد نا مشروع رادر مملکت به دست دارند و هر لحظه بخواهند فاجعه خلق می کنند و با مافیای مواد مخدر در پیوند می باشند که کار مبارزه با آن روز تا روز مشکل تر می شود در چنین اوضاع واحوال نه تنها ابراز ارادهٔ مردم در روند تصمیم گیری های کلان نا ممکن خواهد بود، بلکه نمایندگان واقعی، روشنفکران و مجاهدان در این تصمیم گیری ها نمی توانند نقش بازی کنند؛ زیرا همه چیز را اقتصاد نا مشروع در کشور رهبری می کند و واضح است که این اقتصاد نا مشروع به دست چه کسانی است و به یقین دست آورد این اقتصاد نا مشروع نا میمون خواهد بود. دولت قادر نگردید، طی دوره های حکومت موقت، انتقالی و کنونی در جهت اصلاحات گام بردارد. دولت فقط در برخی از موارد رجز می خواند و وقت کمایی می کند یعنی هم با چوپان توله می نوازد و هم با گرک کنار می آید. این اگر هر چه باشد سیاست نیست، بلکه ترفند است، کسانی که در ولایات به مثابهٔ والی و ولسوال ایفای وظیفه می نمایند، در مناطق شان همه کاره اند؛ یعنی مالک بلا منازع مناطق تحت فرمان خویشند. امروز درجامعهٔ افغانستان که به شرف و حرمت خانواده گی حرمت فراوان باید وجود داشته باشد، ندارد بلکه به ناموس خانواده ها تجاوز صورت می گیرد و در این تجاوزها وبی حرمتی ها پای یکی از فرماندهان دولتی ذیدخل است که هیچ کس نمی تواند زبان اعتراض بگشاید.

از سوی دگیر انکشاف متوازن در کشور وجود ندارد و قانون اساسی بر تمام قلمرو کشور یکسان تطبیق نمی گردد و یا تطبیق آن مربوط به ارادهٔ اولیای امور کشور است. در چنین اوضاع واحوال، ایجاد تفکر جدید سیاسی که همان روحیهٔ شهروندی در مملکت است به مشکل شکل می گیرد و ما ناگزیریم تا این راه را طی نماییم. در داخل دستگاه دولت بعضی ها می خواهند مطالبات جدید تفکر سیاسی منطقه و جهان و سلیقه های شخصی آن ها جای قانون اساسی را بگیرد. توسعهٔ اقتصادی و به تبع آن توسعهٔ سیاسی در افغانستان، مستلزم تشکیل و قوام جامعهٔ مدنی و توسعهٔ فرهنگ سراسری ملی است که در قبال خود تفکر جدید سیاسی را به وجود می آورد، چنین چیزی یا در حال شکل گیری است و یا ما در آستانهٔ نطفه گذاری های نخستین آن می باشیم و تا زمان تشکیل این مامول، شالودهٔ یک نظام سالم سیاسی با تفکر مدرن سیاسی در کشور شکل نخواهد گرفت ، چیزی که از ما کار ، مبارزه و استقامت می خواهد.

د نشه يي توکيو په قاچاق کې ککړ لوړ رتبه چارواکي ولي نه افشا کيږي

زيارمل

د نويو لاس ته راغليو اطلاعاتو څخه څرګنديږي چې څو ورځې مخکې د هلمند په ولايت کې 4000 کيلو ګرامه هيروئين ونيول شول او دهيروئينو ددغې ستري اندازې له قاچاق سره يوځاي 7 تنه قاچاق وړونکي هم ونيول شول خو داسې معلوميږي چې که نوموړي قاچاق وړونکي نن د يوي دروازې له لارې زندان ته واستول شول نو سبا به د بلې دروازې له لارې له همدغه زندان نه ووېستل شي او بيا به هم خپل پخواني کارو بار ته دوام ورکړي.

پدې وروستيو کې د مخدره موادو پر خلاف د مبارزې رضا کار سازمان د خپلو څېړنو له مخې څرګنده کړې ده چې يو زيات شمير دولتي لوړ رتبه چارواکي د مخدره موادو په قاچاق کې لاس لري او همدا لامل دې چې د مخدره موادو د قاچاق د مخنيوي په کاروبار کې ستونزې رامنځ ته شوي او دنړيوالې مافيا دسترې شبکې فعاليتونه اصلاً د همدغو لوړ رتبه دولتي چارواکيو په مرسته او ملاتړ پر مخ بيول کيږي خو عجيبه ئي داده چې لاتر اوسه د افغانستان د رهبري د مقاماتو له خوا په دغو کسانو پرده اچول کيږي او د نومونو له افشا نه ئي ډډه کيږي.

پروسږ کال هم د افغانستان د کورنيو چارو وزير علي احمد جلالي دغې موضوع ته اشاره کړې وه او ويلي وچې دمخدره موادو په قاچاق کې ځينې دولتي لوړ رتبه چارواکي ککړ دي چې پخپل وخت به ترې پوښتنه وشي او خلکو ته به ور وپيژندل شي. د بده مرغه چې د جلالي صاحب د دغو څرګندونو وروسته خايسته زياد وخت تير شو خو نه ددغه راز کسانو له مخ څخه نقابونه پورته شول او نه خلکو ته ور وپيژندل شول.

د ملګرو ملتو د نشه ئي توکيو او جرايمو د څانګې د اټکل له مخې پروسږ کال په افغانستان کې د 4.200 متريک ټنو په اندازه آپين توليد شوي چې د ټولې نړۍ د اپينو په سلوکې 87 جوړوي. دغه احصائيه بيا د ملګرو ملتو او هغو هيوادو لپاره د زياتې انديښنې وړ ده چې له افغانستان څخه هر کال په ټنونو نشه ئي توکي دغو هيوادو ته صادريږي او د نوموړو هيوادو ځوانان ئي د بې خودۍ او نشو په غمونو اخته کړي دي. داسې ويل کيږي چې نن په ټوله نړۍ کې نږدې لس ميليونه انسانان په مخدره موادو اوږدي دي چې د دغه مخدره موادو زياتره زموږ له هيواد نه او زموږ دځينو دولتي چارواکيو په ملاتړ دغو هيوادو ته په قاچاق وړل کيږي، له لاس ته راغلو پيسو څخه ئي بيا د تروريستانو د روزنې او تمويل لپاره کمه اخيستل کيږي او اصلي موخه ئي داده چې زموږ په خاوره کې د قانون حاکميت منځ ته رانشي، مرکزي دولت د هيواد ټولو ولايتونو ته د خپل واک قدرتمند لاسونه ونشي غځولی، زموږ خلک د نيستي او بې وزلي له ستونزو او بالآخره د مخدره موادو د توليد او قاچاق له بدنامۍ څخه و نه ژغورل شي او زموږ جمهوري دولت تل د خپلو بهرنيو دوستانو تر فشار او نيوکو لاندې وي.

هيله داده زموږ اوسني دولت چې په مستقيم ډول د خلکو د پراخو برګنو په ټکه او ملاتړ منځ ته راغلی بايد د خپلې ولسواکي او ديموکراتيکي ځانګړني له مخې له خپلو خلکو څخه هيڅ شي پټ نه کړي، هغه لوړ رتبه چارواکي چې د ملګرو ملتو د مخدره موادو داو طلب سازمان او پخپله د کورنيو چارو وزير ورته اشاره کړې خلکو ته ور وپيژني او د قانون منګولو ته ئي وسپاري او که داسې ونشي نو موږ باور لرو چې خلک به په خپل دولت باندې بې باوره شي او د دولت او ملت تر منځ به فاصله پيدا شي.

دیگر زمان بیچارگی ...

از آتش و تخریب است.

حامد کرزی گفت: این همه اعمال نا جایز را آنها به خاطر غلام ساختن مردم افغانستان انجام می دهند،

اما آن ها اشتباه می کنند، زیرا این کشور و مردم آن به امپراتوری های بزرگ دنیا درس عبرت داده و هرگز غلام نگردیده و نمی گردند.

حامد کرزی در مورد اظهارات مسؤول یک شرکت گاز پاکستان که گفته است انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به دلیل بی امنی نا ممکن می باشد، گفت: در حالی که ما با حکومت پاکستان و ترکمنستان در مورد انتقال گاز در حال مذاکره هستیم این نوع اظهارات در تناقض کامل با گفتار و عمل می باشد.

وی گفت: آرزوی ما این است که کردار و گفتار همسایگان ما یکی باشد. ما با تمام همسایه ها رابطهٔ نیک می خواهیم و گسترش این روابط به نفع کشورهای منطقه می باشد.

تصمیم جمعی کنفرانس دوحه ...

ما یک امر نهایت با ارزش است و اساس فقر زدایی را تشکیل می دهد وکشورش در موارد مختلف ، کمک مالی را با سایر ممالک روبه انکشاف انجام خواهد داد . به منظور اشتراک در این اجلاس مهم ، هیأت عالی رتبهٔ جمهوری اسلامی افغانستان ، تحت ریاست احمد ضیا مسعود معاون اول ریاست جمهوری عازم قطر گردیده بود. احمد ضیا مسعود، معاون اول ریاست جمهوری و رئیس هیأت افغانستانی در این اجلاس سخنرانی نمود و بیشتر روی تشریح وضعیت کنونی کشور ، دست آورد های ملت و دولت افغانستان در سه سال گذشته و جلب حمایت جامعهٔ بین المللی برای باز سازی افغانستان تأکید کرد.

معاون اول ریاست جمهوری در آستانه و جریان کار کنفرانس با رؤسای هیأت کشورهای هندوستان ، ایران ، پاکستان، مالیزی ، تایلند و سکرتر ژنرال جامعهٔ عرب دیدار و گفتگو نمودند و ضمن بیان تمایل و علاقهٔ کشور افغانستان درجهت تحکیم روابط بادیگر کشورها ، خواستار مشارکت آنان در عرصهٔ بازسازی افغا نستان شدند .

سازمان ملل متحد و تعدادی دیگر از نهاد های بین المللی نیز در این کنفرانس حضور داشتند.

در نتیجهٔ مذاکرات هیأت افغانی درجریان کنفرانس، بر ضرورت کمک جامعهٔ بین المللی در بازسازی افغانستان ومبارزه این کشور علیه مواد مخدر، تأکید گردید و در مصوبهٔ آن گنجانیده شد.

جنگل سبز خدا

عبدالغفور آرزو

از دل کوچهٔ شب همهمه یی می آید
وای بر باور ما، واهمه یی می آید
چه کسی از پس این کوچه رجز می خواند
فتنه را با نفس عرصه و گز می خواند
اندرین مرحلهٔ هرزه، جگر آور کو؟
خاطر خسته تر از، خسته تر از باور کو؟
کوه ها، خسته تر از ما سه به خود می پیچند
کعبه آیین شده بر گرد احد می پیچند
گرد بادی که در این ورطه غنیمت طلب است
گرچه با سلسلهٔ عشق بود، بولهب است
جندب از بارقهٔ عشق ابوذر گردید
مظهر کعبه جگر گوشهٔ آذر گردید
سر این رشته به سر پنجهٔ نا پیدایی است
پتک عاطفه را جرعه یی، از دریایی است
قطره نوشی که چکاد نفسش لاهوتی است
همت مشتعلی، لاله رسش لاهوتی است
لاله تصویر بر افروختهٔ، جنگل هاست
خشم خونین دل سوختهٔ جنگل هاست
در دل جنگل آتش زده تا ققنوسیم
واپسین کوچهٔ شب را نفس فانوسیم
صبحدم، سینهٔ عریان سپیداران است
جنگل سبز خدا از رجز باران است
تازه تر از گذر عمر قدم باید زد
از دل جنگل آتش زده دم باید زد
از دل جنگل آتش زده، سوز آوردیم
با گداز جگر آیینهٔ روز آوردیم
هر که در ما نگرد شور شکفتن گیرد
ذوق صد آیینه را، بارقه گفتن گیرد
گرچه آیینهٔ ما تفرقه آجین گشته
جنگل سبز خدا، اندکی بدبین گشته
مگذارید که لبریز تر از صبر شویم
در صفای سحر آشفته ترین ابر شویم
رعد و برقی که از این حادثه برخواهد خاست
آتش از سینهٔ هرکوه و کمر خواهد خاست
مگذارید که اندیشهٔ ما تیغ شود
عاقبت خشم فرو خوردهٔ ما جیغ شود
مگذارید که با قهقههٔ بِر نو خوانیم
غصهٔ تلخ تر از خاطره از نو خوانیم
از دل کوچهٔ شب همهمه یی می آید
وای بر باور ما واهمه یی می آید

جلوه های پست مدرنیتی در غزل

بخش دوم

محمد اسحاق فایز

عده یی می پندارند که اگر بتوان در غزل مثلاً از واژگان مدرن و نو استفاده کرد، غزل، پست مدرنیستی می شود در حالی که این نکته فقط بخشی از این روند را تشکیل می دهد. همان گونه که برای ساختن و ایجاد یک متن مدرن به منطق مدرن نیاز داریم، برای تبارز جلوه های پست مدرنیستی در غزل نیز باید با منطقی این چنینی به شکار خواننده رفت و واضحاً باید این منطق روند زندگی امروزی شعر و آدم های دور و برش را تحلیل و توصیف نیز بکند.(۵)

با توجه به این اندیشه است که امروز متن نو و مدرن به سوی ابهام زدایی و توضیح شناخت فرق ها و تمایز ها در حرکت است و شعر پست مدرنیستی نیز از این اصل کم و بیش متابعت می کند.

شکاف عمیقی که اگر بتوان آن را امروز در عرصهٔ شعر معاصر فارسی دری لمس کرد از همین رهگذر است که بیشتر داشته های شعر نو ما اینک به نحوی مدرن نیز هستند.

شاعر پست مدرن در غزل پست مدرنیستی اش، به نحوی به بازیی زبانی دست می زند تا به وسیلهٔ آن بتوان عمل این حرکت را در شکل های درونی غزل مشاهده کرد. شاعر پست مدرن برای آفرینش غزل پست مدرن از این حرکت های زبانی نه برای شکستن محض ساختار ها استفاده می کند بلکه آن را تلاشی برای درک، تفسیرو تبیین و باز آفرینی واقعیت های ملموس زندگی می داند. (۶)

مشخصهٔ دیگر برای غزل پست مدرن این است که شاعربا تصرف در نحو، تصویر هارا برای خواننده قابل لمس تر می سازد. " او با به هم ریختن ارکان نحوی جملاتی را می سازد که با کمی غور و تأمل به برداشتهایی گوناگون تر و دقیق تر می انجامد.(۷)

شاید به مورد باشد بگوییم غزل پست مدرنیستی غزل روایی نیست و شاعر می کوشد تا در غزل به جای واقعیت ها و دست زدن به روایت زندگی و ملموس، تخیلات و تعابیرش به بیان شبه روایی بپردازد که این نکته یکی از مواصفات غزل پست مدرنیستی را می سازد.

" یکی از تفاوت های غزل پست مدرن با پیشینیان خود آن است که برای هر حرکتی در متن، پشتوانه یی قوی را طلب می کند یعنی اگر در تاریخ ادبیات ما، تنها در شعر بزرگانی مثل حافظ و سعدی هرکلمه و هر حرکت در خدمت محتوا می باشد، در غزل پست مدرن در ایجاد ساده ترین متون نیز باید فراتر از زیبایی شناسی مطلق به محتوا - و طبیعتاً فرم - اندیشید."(۸)

در غزل پست مدرن توجه به فرم شعر صورت می گیرد و به این منظور شاعر طوری در ابیات و اجزای آن در حرکت است که این اجزای متشکله نه در یک نظام بلکه به تکه پاره یی کوچک ولی در تعادل منطقی و غیر منطقی قرار دارند و در کلیت فراهم آیی این تکه پاره های با پیوند، در فرجام مارا به یک اندیشهٔ واحد رهنمون می شود.

در غزل کلاسیک بیشترینه خواننده با تحلیل هربیت شعر به صورت جدا گانه می تواند به یک فلسفه و اندیشه دست یابد، در حالی که در غزل پست مدرن، شاعر طوری حرکت می کند که ابیات غزل مانند پیکرهٔ واحدی، صورت بیان یک اندیشه و یک فلسفه می باشد.

(ادامه دارد)

رویکرد ها:

(۵)- داریوش آشوری - یک مصاحبه

(۶)- سید مهدی موسوی، شناسه های غزل پست مدرن

(۷)- همانجا و همان اثر

(۸)- همانجا و همان اثر

عدل او انصاف

زیارمل

د پیتاوي کیسه ده چي وائي د هارون الرشید په زمانه کي یو ځوک دیوي سیمي حاکم مقرر شو، حاکم په لومړي ورځ خلکوته د ځان ور پیژندلو په غرض یوه اوږده وینا وکړه او دهغي په ترڅ کي ئي خلکو ته وویل: تا سو شکر وباسئ چي الله پاک په تاسو باندي یو عادل خلیفه مقرر کړي چي د عدل او انصاف ساري ئي د دنیا په بله سیمه کي نشته او بیا شکر وباسی چي دغه خلیفه بیا زه په تاسو حاکم مقرر کړم، له ما سره به همکاري کوئ زه ډیر ښه سړي یم، زه د عدل او انصاف پلوي یم، تل به دهغه چا مرسته او ملاتړ کوم چي هغه مظلوم وي، هغه بي وسه او ناتوانه وي او چاورباندي ظلم کړي وي.

وائي: کله چي د حاکم وینا پاي ته ورسیده نو په دي وخت کي د بهلول په نامه یو ځوک پورته شو خلکوته ئي په خطاب کي وویل: حاکم صاحب ډیر ښه او شریف سړي دي، دي زه ډیر ښه پیژنم په عدل او انصاف کي جوړه نه لري د کورنۍ په لحاظ هم بي جوړي دي، د ستر خاندان سړي دي، د ښه خوي او ډیرو نیکو خصلتونو خاوند دي شکر وباسئ چي د زماني خلیفه ستاسو لپاره دغسي یو شخصیت رالیږلي او دده په وجود کي به ستاسو ټولي چاري سمي شي.

دبهلول خبري چي پاي ته ورسیدي نو د خطابي له ستیج نه راکوز شو او خپله لاره ئي ونیوله خو د حاکم د امر له مخي هغه له لاري راستون کړي شو او حاکم تري پوښتنه وکړه، تاسو ماته خپل ځان راوپیژنئ، تا سو خو زه ډیرو ستایلم، زما نوم مو اوچت کړ، زه مو خلکوته ډیر ښه ور وپیژندم ښه به داوي چي زه او ته یو له بل سره ښه وپیژنو او په راتلونکي کي یو د بل خواږه ملګري او همکاران اوسو.

بهلول ورته وویل: حاکم صاحب خبره دي زما او ستا ترمنځ وي، تا سو خلیفه ته دوکه ورکړه او ما تاته.

کیسه ده چي یوه ورځ بیا همدغه حاکم ته یوي کونډي عریضه وکړه او ورته ئي وویل چي زوي مي ستا د حاکمیت په سیمه کي غلو وژلي، پیدائي کړه او پوښتنه تري وکړه او عدالت تامین کړه، حاکم ئي عریضه خیري کړه بیا د هارون الرشید دربار ته لاړه هغه ته ئي عرض وکړ نوموړي په حاکم باندي امر ورکړ چي دکونډي د زوي قاتلان پیدا کړي او په جزائي ورسوي، حاکم د خلیفه امر هم خیري کړ او کونډه ئي ورټله، کونډه چي د دویم ځل لپاره د خلیفه دربار ته ورغله او هغه ئي په تیر جریان خبر کړ خلیفه ورته وویل: موري دا خو ډیره لویه پاچاهي ده، زه به ئي کوم سر ونیسم، ماته ډیره سخته ده چي دهري سیمي اداره وکړم او هلته عدالت تامین کړم.

کونډي ورته په ځواب کي وویل: خیر قربان ته باید په دومره ځمکه پاچاهي وکړي چي ته ئي کنټرولي او سمبالولي شي ترڅو دي له یوي خوا خلکوته ځان رسولي وي او له بلي خوا د لوي خداي"ج" په دربار کي له ملامتي او مخ توري نه خلاص اوسي.

فکر کوو چي اوسني حاکمان هم د خپلو پاچایانو د اطاعت چندان پروا نه لري او زموږ دهیواد په زیاتو سیمو کي له مرکزیت سره د پیوستون نه تیښته او فرار موجود دي نو په دغه راز حالاتو کي د عدالت او انصاف تامین څه اسانه خبره نه ده خو خداي"ج" دي وکړي چي په موږ کي د یووالي او وحدت ژور احساس او زموږ په لویانو کي د عدل او انصاف روحیه پیاوړي شي.

د الفت له غورو نثرونو څخه

بې زړه

ایمان ځاي زړه دي او دي بي زړه دي چي وروکي او نه شیشکو او پریشو دارسده، چي لږ غولدي لوي شو، د ملا صاحب له داره په سبق نه پوهیده په لوړ کي دادي دار او د باندي د دا دار اوس چي لوي دي د ځان دار، د ملک دار، د حاکم دار بي په زړه کي ایمان ځاي نیولي دي، په لاره کي ورسره ډغلو ویره ده او په کور کي د غلیمانو له ویري خوب نه ورځي

لویه خدایه، په کوم زړه کي چي دغو سره ډیري ویري وي، ستا ویره ډیره ځاي نشي پیدا کولي

په دغسي زړه کي ستا خیال نه ډیر لږ ځاي پیدا کیږي، که ستا دار او د ظالمانو دار په یوه زړه کي یوشان موجود وي، نه دي نه لویه ګناه بلنه نشته کشکي دوي یوازي له تا ویریدلي او ستا د دښمنانو دار بي په زړه کي نه واي، د خلکو دار ستا ویره په زړونو کي کموي او ایمان نه زیات رسوي، ستا ضعیف بندګان یوازي ستا نه ته ویریږي له نورو نه هم ویریږي، دوي اوس د زورور په مخ کي حق نشي ویلي او ته د حق طرفدار یې، نه په دروغو خپه کیږې او دوي له ډاره رښتیا نشي ویلي.

ستا ظلم نه دي خوښ دوي له ویري د ظالمانو خدمتونه او صفتونه کوي هغه مسلمان اوس چیرته دي، چي یوازي له تا داریږي او بس. ستا بنده باید د ډار بنده نه وي او د نمرود له اوره یې سترګه ونه سوزي.

در طی هفته های اخیر

چندین شهروند خارجی به اسلام مشرف شدند

اسلام به عنوان کامل ترین و آخرین دین آسمانی و ناسخ همه ادیان دیگر، در طول تاریخ مورد توجه انسان های با درک به مثابهٔ مشعلی بر فراز راه ابنای آدم قرار داشته است.

اگر به تاریخ نظر کنیم، دیده می شود که از آغاز رسالت پیامبر اسلام تا عصر حاضر، درتمام مقطع های تاریخ، پیروان سایر ادیان به اسلام گرویده اند و انسان هایی بزرگ در تاریخ بشریت شده اند.

این سلسله از بدو پیدایش اسلام تا کنون جریان دارد، چنانچه در این اواخر نیز تنی چند از شهروندان خارجی با درک حقانیت دین اسلام به این دین مشرف شده اند.

مجاهد جهت آگاهی بیشتر هم میهنان عزیز، مصاحبه یی را با مولوی محمد صدیق رئیس افتاء و احتساب ستره محکمه که مسؤول ثبت نام اشخاص تازه به اسلام آمده نیز می باشد، انجام داده است که به ملاحظه می رسد.

مولوی محمد صدیق در مورد علت و انگیزهٔ مسلمان شدن پنج تن از شهروندان خارجی که در سال جدید به اسلام مشرف شده اند گفت:

اسلام در برابر قضایای گوناگون با در نظر داشت تکامل اجتماعی و مشکلات زمان پاسخ هایی مناسب ارائه نموده است.

اما بدبختانه که ما مسلمان ها نتوانستیم فرهنگ غنی اسلامی خود را تبلیغ نماییم و یا این که عوامل بیرونی نخواسته است این روشنایی در تمام دنیا انعکاس یابد.

به همین خاطر بوده است که شماری از خارجیان با درک حقانیت اسلام، به آن رو آوردند ومسلمان شدند که مثال خوب آنها پنج تن از شهروندان کشور های مختلف خارجی می باشد که تازه به اسلام مشرف شده اند.

مولوی محمد صدیق در مورد هویت این اشخاص وانگیزهٔ اسلام آوردن آنها گفت:

آقای ادیتها پاور شهروند کشور هندوستان که در یکی از شرکت های خارجی در کابل مشغول کار است، از طرز بر خورد مسلمان ها با خودش متأثر شده و به دین اسلام روی آورده است نامبرده به تاریخ پنجم ثور سال جاری در حضور جمع بزرگی از دانشمندان و ژورنالیستان اسلام آورد که از طرف مسؤولان ستره محکمه به اسم عبدالله مسمی گردید.

دانیل ام مئوستر ایتالیایی که پنجاه سال دارد واز سه سال به این طرف در افغانستان به سر می برد و به حیث مشاور وزارت زراعت و مالداری ایفای وظیفه می نماید. به تاریخ پانزدهم جوزا در حضور اعضای ستره محکمه به اسم عبدالرحمن مسمی گردید.

خانم جیوکس یانگ چینایی که سی وسه سال عمر دارد . از شش ماه به این طرف در کابل به سر می برد و تحت تأثیر ارزش های اسلام قرار گرفته می گوید که دلیل اسلام آوردنش مخالفت اسلام با منکرات مانند آزار و اذیت، دزدی، شراب نوشی، و غیره می باشد. او به تاریخ هفدهم جوزای سال جاری درحضور ژورنالیستان و دانشمندان به اسلام مشرف شد و با تلقین کلمهٔ شهادت توسط اعضای ستره محکمه به اسم فاطمه مسمی گردید.

آقای متراهاج نیز هندوستانی است و از مدت شش ماه به این طرف در یکی از شرکت های خارجی در کابل مشغول کار است او تحت تأثیر فرهنگ اسلام قرار گرفته و گرویدهٔ این دین شده است.

نامبرده به تاریخ هفدهم ثور سال جاری اسلام آورد و بعد از تلقین کلمه شهادت به اسم محمد نبی مسمی گردید.

جیمی والس مرد عیسوی که ۴۰ عمر دارد شهروند کانادا می باشد نامبرده برای یک هفته جهت سیاحت به افغانستان آمده بود و از مطالعه و تحقیقاتی که در مورد اسلام داشت سر انجام به تاریخ نزدهم جوزای سال جاری به اسلام مشرف شد.

او بعد از اسلام آوردن به اسم عبدالرحمن مسمی گردید.

او گفته است که خانم او هندی است و او نیز به اسلام مشرف شده است. او وعده سپرده است تا در کانادا مسجد بزرگی را بنا نماید که علاوه بر نماز گزاردن مرکز بزرگ دعوت اسلامی باشد.

گفتنی است آقای گیستوف شهروند فرانسه یی نیز به تاریخ ۲۶ جوزا در ولایت پنجشیر با خواندن کلمهٔ شهادت به دین اسلام مشرف شد، این مرد فرانسوی اسمش را یوسف انتخاب کرد.

وی که ۲۴ سال دارد از قبل با مجاهدین آشنایی داشته و ۱۲ فیلم مستند در افغانستان تهیه و در اروپا به نمایش گذاشته است.

وی می خواهد فیلمی بسازد که نمایانگر جهاد افغانستان با روس ها باشد.

آری، اسلام دین پیشرفت، اخلاق، سیاست، و یکتاپرستی است که هر انسان اندیشمند به آن دلباخته می شود لذا بر مسلمان هاست که از مزایای این دین، جهانیان را آگاه سازند.

رستم

مهاجرین و مشکلات حل نا شده

راوی

روز بیستم ماه می به عنوان روز جهانی مهاجرین برگزیده شده است. روزی که در آن باید جهانیان به مشکلات مهاجران متوجه شوند و به تلخی های هجرت بیندیشند.

برای ما مسلمانان هجرت، تنها جا به جایی و نقل مکان از یک محل به محل دیگر نیست. پیامبر ما به دستور خداوند جل جلاله هجرت کرد. با هجرت بود که اسلام از محدودهٔ شبه جزیرهٔ عربستان به در آمد و تاریخ ما با همین هجرت آغاز می شود. مؤرخان و جامعه شناسان به نقش هجرت در تمدن بشر تأکید دارند و به این باورند که در عقب هر تمدنی جای پای یک هجرت را می توان دید.

با وجود این که هجرت در دین ما دارای اهمیت ویژه یی است که در ادیان سماوی دیگر سابقه ندارد اما متأسفانه درکشورهای اسلامی با مهاجران مسلمان که نظر به دلایلی از کشور خویش آواره شده اند رویهٔ نامناسب صورت می گیرد. در این کشور ها در مورد مهاجران اصلاً قانونی وجود ندارد در حالی که کشورهای غربی در این رابطه قوانین مشخصی دارند و مهاجران در آن کشورها با رویهٔ به مراتب انسانی مواجه می شوند.

بعد از کودتای کمونیستی در افغانستان جمع کثیری از افغان ها مجبور به ترک کشورشان گردیدند. در قدم اول دو کشور پاکستان و ایران مواجه با سیل مهاجرینی شدند که در نتیجهٔ ظلم رژیم کمونیستی به سوی آن دو کشور سرازیر گردید. کثرت تعداد مهاجران موجب بروز مشکلاتی برای این دو کشور شد ولی به تدریج مهاجران خود را با شرایط وفق دادند و کشورهای میزبان نیز با حضور آنان عادی شدند. سیل مهاجرت به سوی پاکستان و اوج گرفتن جهاد در افغانستان موجب سرازیر شدن کمک ها به سوی پاکستان شد. حدود چهار میلیون مهاجر در پاکستان اقامت گزیدند که این اقامت بیش از چهارده سال به طول انجامید. در دوران جهاد، کمپ های مهاجران منبع اصلی تأمین نیروی انسانی جبهات جنگ با کمونیست ها و ارتش سرخ بود و این ها موجب شکست اتحاد شوروی و سرانجام پایان جنگ سرد شدند.

اما مشکل مهاجران با به پایان رسیدن هجرت و بازگشت به کشورشان به پایان نمی رسد. در این رابطه مسایل روانی و مشکلات اقتصادی هر دو نقش معین خویش را دارد. مهاجران در کشورهای دیگر و با شرایط دیگری عادت کرده اند که با شرایط کشور شان به مراتب متفاوت است. آن ها هرچند در خارج مهاجر بودند ولی با شرایط بهتر از کشور خودشان زندگی کردند و اکنون با بازگشت به کشور انتظار دارند از همان شرایط برخوردار باشند. آنها برای خانواده های خویش برق و آب آشامیدنی صحی و تسهیلات بهداشتی می خواهند. شرایطی که در روستاها هنوز خواب و خیال است و در مراکز شهرها نیز برای همه در دسترس نیست. از این جاست که اکثر مهاجرین قبل از هجرت در روستاها زندگی می کردند دیگر تمایل برای بازگشت به روستاهای خویش ندارند. از این رو است که کثرت نفوس در شهرها بیشتر می شود که مشکلات ناشی از آن در مراکز شهرها قابل لمس است.

> **مشکل مهاجران با به پایان رسیدن هجرت و بازگشت به کشورشان به پایان نمی رسد. در این رابطه مسایل روانی و مشکلات اقتصادی هر دو نقش معین خویش را دارد**

مهاجرانی که در غرب زندگی کرده اند حال و هوای دیگری دارند فرزندان آنان در غرب بزرگ شده اند و با توجه به مشکلات موجود در افغانستان بسیار احتمال دارد که آنها به کشور خود باز نگردند. پدران و مادران آنان نیز اگر بازگشتی به کشور اصلی خود دارند بیشتر موسمی و موقتی است.

از دهۀ هشتاد قرن گذشته، افغان ها بیشترین تعداد مهاجر را در جهان تشکیل می دادند وهنوز هم بین دو تا سه میلیون افغانستانی در خارج از کشور به سر می برند. ایران و پاکستان به عنوان دو کشور همسایه در طول این مدت پذیرای بیشترین مهاجر از افغانستان بودند و هنوز هم هستند اما این مهاجرین باید به کشور شان بازگردند.

وزارت عودت مهاجرین امکانات جا به جا کردن این تعداد از مهاجرین را در کوتاه مدت ندارد اما دولت وظیفه دارد تا با یک برنامهٔ منظم این بازگشت را طوری تنظیم نماید تا به تراکم نفوس در شهرها نینجامد. این کار میسر نیست مگر این که در چهارچوب برنامهٔ بازسازی کشور رشد متوازن میان شهرها و روستاها مد نظر باشد و مهاجرین تشویق به بازگشت به روستاهای شان گردند.

ستا له خیره مو توبه خو ضرر ...

که څه هم د افغانستان د کورنیو چارو وزیر ظاهراً د پاکستاني مقاماتو څخه خوښي څرګنده کړه چي د جمهوري رياست په ټولټاکنو کي د امنيت په ساتنه کي همکاري کړي خو د کورنيو چارو وزير له لهجي نه داسي معلوميده چي ګني پاکستاني مقامات لکه څرنګه چي لازم دي له افغاني مقاماتو سره د سولي او ثبات په بهير کي مرسته نه کوي او دوي ته ټول هغه کسان معلوم دي چي په افغانستان کي د ورانکارۍ چاري سرته رسوي خو مخه ئي نه نيسي.

اصلاً هر څوک پوهيږي چي که غوا توره ده نو شيدي ئي سپيني دي، پاکستاني مقاماتو له هغه وخت نه چي طالبانو په افغانستان کي ماتي خوړلي د طالبانو له غير مستقيم ملاتړ نه لاس نه دي اخيستي او د افغانستان په پېښو کي د دوه مخې سياست ته دوام ورکوي، ظاهراً موږ وينو چي د افغان حکومت سره د لاس نه وهني لوظنامي لاسليک کوي، له موږ سره فرهنګي او اقتصادي پروتوکولونه کوي او زموږ د بيا رغاوني په بهير کي عملاً شريک او د ترهګري پرخلاف د نړيوال ائتلاف غړي دي خو موږ وينو چي له يو خوا په خپله خاوره کي د القاعده تروريستان نيسي خو له بلي خوائي بيا د طالب چارواکيو مشرانوته په خپله خاوره کي پناه ورکړي او لا اوس هم ورسره لکه د يو وفادار دوست په څير چلند کوي او په خپله ګټه ئي استعمالوي.

موږ وينو چي په کويټه او اکوړه خټک کي همدا اوس هم په لسګونو داسي ديني مدرسي شته چي طالبانو ته په کي په ديني سبق سربيره پوځي روزنه ورکول کيږي، تمويليږي او بيا افغان خاوري ته د ورانکارۍ او بي ثباتي لپاره را استول کيږي.

له ورور هيواد پاکستان څخه زموږ ګله داده چي دوي نن له هر ډول پوځي - سياسي امکاناتو څخه برخمن دي او کولاي شي چي د افغانستان د سولي او ثبات په بهير کي فوق العاده ونډه واخلي، په خپل هيواد کي افراطي افغان دښمنه کړۍ که هغه استخباراتي حلقي دي او يا د طالبانو او القاعده پلويان، دي ته اړ باسي چي نور له خپل دوامداره مخالفت او دښمنۍ څخه لاس واخلي او پريږدي چي زموږ خوريدلي خلک د سولي او ثبات په فضا کي د ارامي ساه واخلي.

پاکستاني مقامات بايد په دي ښه وپوهيږي چي زموږ په هيواد کي سوله او ثبات نه يواځي د پاکستان په ګټه، بلکي د سيمي او ټولي نړي په ګټه هم ده، افغانستان د پاکستان لپاره د منځني آسيا هيوادو ته د پل حيثيت لري او کولاي شي خپل توليدات د منځيني آسيا د هيوادو مارکيټونوته ورسوي او په مقابل کي ئي ګاز او تيل چي د پاکستان لپاره حياتي ارزښت لري خپل هيواد ته وارد کړي.

همدا اوس هم پاکستان افغانستان ته د خپلو صادراتو له لاري يو ميليارد ډالر په جيب کي اچوي او بالمقابل دخپلي اړتيا وړ توکي له افغانستان څخه واردوي.

هيله من يوو چي پاکستان دخپلي اسلامي ورورولۍ له مخي زموږ سره د سولي او ثبات په پروسه کي صادقانه همکاري وکړي.

دوازده نفر حافظ قرآن کریم ...

و مردم ما در شرایط کنونی نسبت به هر زمانی دیگر به وحدت و همدلی و همزیستی مسالمت آمیز نیاز دارند، قرآن کریم می تواند، یک بار دیگر ما را از بحران غم انگیز کنونی رهایی بخشد و زمینه های وحدت ملی، وفاق اسلامی و تأمین عدالت اجتماعی را فراهم نماید.

نامبرده در بخشی دیگر از سخنانش به مسؤولیت علما و حافظان قرآن، در راه پخش و تبلیغ دین تماس گرفت و اضافه کرد: در اوضاع فعلی که برخی ها از روی بدخواهی و یا نادانی، عملکرد برخی از گروه ها و اشخاص را که زیر نام اسلام انجام یافته به اسلام نسبت می دهند، مسؤولیت علما و حافظان کلام پروردگار، در راستای پخش دین و اشاعهٔ فرهنگ اسلامی و در جهت زدودن غبار بدعت ها و اندیشه های خرافی از چهرهٔ مقدس دین، بسیار مهم و سنگین است وعلما باید پیام رسا و ملکوتی قرآن را که پیام انسان دوستی و وحدت و همزیستی مسالمت آمیز است، برای مردم خود برسانند و به آنها بفهمانند که خط اسلام از خط آنانی که به نام اسلام، در حق مردم جفا کردند و حالا هم می کنند جداست.

وی درپایان سخنرانی اش به موضوع انتخابات و مسؤولیت دانشمندان دینی در این روند مهم و تاریخی اشاره کرد و گفت: مسؤولیت مهم علمای دینی ما، در وضعیت سرنوشت ساز کنونی که انتخابات پارلمانی پیشروی مان قرار دارد، این است که آنها بی تفاوت نمانند و نگذارند که یکبار دیگر سرنوشت مردم شان توسط عده یی، به بازی گرفته شود. اکثریت مردم ما بی سواد و نمی دانند به کی رأی بدهند وکی شایستگی دارد، لذا وظیفهٔ علماست که کاندیداهای خوب را از بد تفکیک کنند و برای مردم بشناسانند، تا مردم به شایسته تر ها رأی بدهند.

آقای مارشال فهیم سخنران اخیر این همایش بود که در لحظات پایانی مجلس، در جمع مردم ظاهر شد و سخنانی طویل ایراد کرد. نامبرده در بخش نخست سخنرانی خود به جایگاه اخلاقی و معنوی و بلاغی قرآن کریم اشاره کرد و گفت: قرآن کریم جهان بینی الگو و نمونه یی را ارائه می دهد که نمونهٔ آن در هیچ کتابی غیر از آن به مشاهده نمی رسد، دین ما بر عکس یهودیت و مسیحیت ، دینی معتدل و میانه است در این دین همان گونه که به معنویت و آخرت توجه شده است، به زندگی دنیا و استفاده از نعمت های بی پایان الهی نیز هدایت داده شده است. وی اضافه کرد که اگر ما واقعاً به قرآن عمل کنیم همه درد و رنج ما مرفوع خواهد شد، و اگر قرآن را با تأمل و تعمق بخوانیم می دانیم که پیام آن چقدر ژرف است و چقدر در هر بار خواندن برای انسان پیام جدید می دهد. او گفت: من هر باری که قرآن کریم را می خوانم یک پیغام نو را از آن در می یابم و این مساله بیانگر اعجاز علمی این کتاب آسمانی است.

آقای فهیم در بخش دوم سخنرانی خویش با اشاره به اهمیت انتخابات پارلمانی و برنامهٔ خویش در این زمینه، گفت: با برگزاری انتخابات پارلمانی و تشکیل شورای ملی، یکی از ارکان اساسی دولت (قوهٔ مقننه) تکمیل خواهد شد و کشور ما به سوی قانونیت خواهد رفت. نامبرده افزود که من در این اواخر مشغول کارهای انتخابات هستم و تلاش جمعی ما بر این است که جناب استاد ربانی ریاست پارلمان را عهده دار گردد.

محفل با توزیع شهادتنامه ها و تحایف برای فارغ التحصیلان پایان یافت.

اسلام و ...

و تمام کارهایش را به اساس برنامه های از قبل تعیین شده انجام می داد نه این که کارهایش را توکل به خدا و بی برنامه واگذار کرده باشد چنانچه تمام غزوات در زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم به بهترین صورت سازمان داده شده بود که برادران نظامی این کار را خوب تر درک نموده اند.

□ **چرا بعضی از علما تلویزیون را حرام قرار داده اند؟ و نیز با جایز شمردن آن جوانان چه بهره یی از آن گرفته اند به جز از غرب گرایی، دروغ، جلوگر شدن زنان و... چنانچه ما آن را عملاً در جوامع اسلامی احساس می کنیم؟**

■ کسانی که تلویزیون را حرام قرار داده از خاطر اثراتی که در بالا از آن ها تذکر رفت، حرام قرار نداده اند بلکه آن را به خاطر تصویرش حرام قرار داده اند بناءً ما گفته می توانیم که تلویزیون در اصل حلال است ولی حرام به خاطر چیزهایی است که در آن به مشاهده می رسد زیرا تلویزیون یک وسیله است و وسیله را مطلقاً نه حلال و نه حرام گفته می توانیم از همین رو اگر کسی بپرسد که شمشیر حلال است یا حرام؟ برایش باید گفت که شمشیر در دست مجاهد حلال است زیرا که در این صورت وسیله یی از وسایل جهاد است اما در دست راهزن حرام است چون در این صورت وسیله یی از وسایل ارتکاب جرم است از این رو وسایل احکام مقاصد را به خود می گیرد که چگونه و چرا استعمال می شود مانند این برنامهٔ (شریعت و زندگی).

□ **در اخیر می خواهم بپرسم، چنانچه شما شاهد هستید که نوگرایی چگونه تغییری را در زندگی مسلمانان وارد آورد؟ مسلمانان اساسات دینی، فرهنگی و عقیدتی شان را فراموش کردند که در نتیجه، جهان اسلام شاهد ازدیاد گراف جرایم و لاابالی گری زیر نام دموکراسی است بناءً نوگرایی برای مسلمانان چه ارمغانی خواهد داشت و آیا ممکن است که ما نوگرایی را در فراموش کردن اساسات و فرهنگ و عقیدهٔ اسلامی مان محصور بدانیم؟**

■ البته که دیگران بالفعل زیر نام نوگرایی می خواهند، ما از دین مان روی گردانیم، چنانچه خداوند متعال گفته است "آنان با شما مقاتله می کنند تا این که شما را از دین تان اگر بتوانند باز گردانند،" و همان گونه که کمال اتاترک نظام سکولاریستی را در ترکیه پی ریخت فوکویاما پیاده شدن این چنین نظام را در جوامع اسلامی نوگرایی می داند و می خواهد بگوید که جوامع اسلامی برای رهایی از عقب مانی باید به چنین نظامی متوسل شود نظام سکولاریسم برای غربی ها سودمند بود چون این نظام آنان را از سلطهٔ کلیسا رهایی بخشید و کلیسا در آن وقت به یک نیروی طغیان گر، جاهل و ضد مردمی تبدیل شده بود. اما سکولار از ما می خواهد نیروی مسلمانان را که دین اسلام است از آنان برباید و بدون شک مسلمانان بدون اسلام، هرگز پیشرفت کرده نمی توانند. بناءً نظام سکولاریستی مداوای دردهای جهان اسلام نیست و درست نیست که می گویند سکولاریسم نظامی است به آزادی دینی و مذهبی انسان و به کرامت او ارج می گذارد، زیرا اگر ما و شما به عملکردهای ترکیه دقت کنیم، این مملکت طرفدار هیچگونه آزادی دینی نیست بلکه برعکس نگذاشت مردم تعلیم دینی را حتی در خانه های شان فرا بگیرند و همچنان نگذاشتند که یک دختر مسلمان با حجاب اسلامی داخل دانشگاه شود پس این چگونه آزادی است؟ البته در این اواخر زنی به نمایندگی پارلمان برگزیده شد که او را به خاطر با حجاب بودنش از عضویت در پارلمان محروم ساختند حتی ما در جوامع عربی که طرفدار نظام سکولاریسم هستند شاهد این گونه حوادث هستیم بناءً نظام سکولاریستی ضد حقوق، آزادی و کرامت انسان است و هیچ ارزشی به آن قایل نیست.

کنفرانس ملی جوانان افغانستان برگزاز شد

وزارت امور جوانان افغانستان به تاریخ ۲۸ جوزا کنفرانسی را زیر عنوان (کنفرانس ملی جوانان افغانستان) با حضور مقامات بلند پایهٔ دولتی و نمایندگان جوانان در خیمهٔ لویه جرگه در شهر کابل برگزار نمود.

خانم آمنه افضلی وزیر امور جوانان در رابطه به هدف برگزاری این کنفرانس گفت که وزارت امور جوانان با برگزاری چنین کنفرانس ها آرزو دارد که جوانان از سراسر کشور با ارائهٔ نظریات وپیشنهادات شان این وزارت را در راستای رسیدگی به مسائل آنان یاری رسانند.

همچنان وزیر امور زنان در ادامهٔ سخنانش گفت که در قدم اول توجه به مسایل جوانان کشور از جمله احساسات، عقاید و جایگاه جوانان برای ایجاد ذهنیت های واقعی در میان آن ها می باشد. وی برنامهٔ آیندهٔ وزارت جوانان افغانستان را ایجاد همآهنگی میان جوانان اقوام مختلف عنوان کرد.

خانم افضلی ایجاد امنیت را از مهم ترین لازمه های رشد و توسعهٔ استعدادها و توانایی های جوانان کشور خواند و گفت که در صورت وجود امنیت در افغانستان زمینه های به وجود آمدن شخصیت های برجسته در میان جوانان در عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سایر بخش ها فراهم می شود.

ولسوالی میانشین کندهار بدون. . .

خبر نگار محلی بی.بی.سی می گوید که مرکز ولسوالی میانشین بدون تبادل آتش به تصرف طالبان در آمده و ۱۸ تن از محافظان ولسوالی نیز بنا به دستور ولسوال دستگیر شده و اسلحهٔ خود را تسلیم این گروه کرده اند.

یک منبع وزارت امور داخله اظهارات طالبان را رد کرد و گفت: طالبان در آن موقعیتی نیستند که یک گروپ از مامورین دولتی را اسیر سازند. قوماندان امنیهٔ ولسوالی میانشین و چند تن از ماموران دولتی به اساس دسیسه و اغوای یک مامور دولت به طالبان تسلیم داده شده اند. دولت در زمینهٔ تحقیق این قضیه اقداماتی را روی دست گرفته است.

این منبع در مورد کشته شدن ملک نور محمد قوماندان امنیهٔ این ولسوالی و سه تن از محافظینش گفت: سخنگوی طالبان ادعا کرده است که قوماندان امنیه و محافظانش را کشته اند،ولی ما این موضوع را بررسی می کنیم و پلیس در جستجوی ولسوال میانشین می باشد.

وزارت داخله این ادعا را رد کرد که گویا دولت بر ولسوالی میانشین تسلط ندارد و به گفتهٔ این مقام وزارت داخله دفترهای دولتی در این ولسوالی نیز فعال می باشند و تعدادی از منابع خبری تعداد اسیران را سی و یک نفر گفته اند اما منبع وزارت امور داخله تعداد اسیر شدگان را به مراتب کمتر می داند.

آخرین خبر حاکی است که ولسوالی یاد شده دوباره تحت کنترل دولت قرار گرفته است.

ډيلي تلګراف دسره پوځ د مسلمان شويو سرتيرو په باب څه وائي؟

د ډيلي تيلګراف ورځپاني خبريال تام کولان دهغو دريو تنو روسي سرتيرو چي د سره پوځ د يرغل پر مهال ئي په افغانستان کي ټانکونه چلول د اسلام پر مقدس دين د مشرف ÷کيدلو په باب يو مطلب ليکلي چي تا سوته وړاندي کيږي:

ورځپانه ليکي، که څه هم شپاړس کاله کيږي چي د سره پوځ قواوي له افغانستان څخه وتلي دي خو دري ژوندي ارواح ئي لاتر اوسه هم په افغانستان کي پاتي او د بغلان په شمالي دروکي ژوند کوي.

ورځپانه زياتوي که څه هم دوي د محلي خلکو په شان آزاد ګرځي را ګرځي خو د پوستکي رنګونه ئي ژيړدي او پخپلو منځونو کي په روسي ژبه خبري کوي يوه تن ئي چي نصرت الله نوميږي او پخوا د نيکولاي په نوم ياديده د پوره نوم اخيستلو څخه ډډه وکړه او دوه نور ئي رحمت الله او امين الله چي دواړه جلبي عسکروو په زوره افغانستان ته راليږل شوي و چي وروسته د مجاهدينو لخوا و نيول شول او بيائي اسلام راوړ او په ميړانه ئي له مجاهدينو سره ملګرتيا وکړه.

د ورځپاني ليکوال ليکي، په واقعيت کي افغانستان سره پوخ ته په ويتنام بدل شو درويشت زره عسکرئي ووژل شول او په لس ګونو زره ئي ټپيان او معيوب شول خو په بدل کي کابو يو اعشاريه دري مليونو افغانانو چي زياتره ئي ملکي خلک وو خپل ژوند له لاسه ورکړ. ورځپانه د نصرت الله له قوله ليکي چي دي د اوکراين اوسيدونکي و او دخپل دري مياشتي ماموريت په دوران کي له هغه وروسته له مجاهدينو سره يوځاي شو چي پخپلو سترګوئي د بغلان د کيله ګي په سيمه کي دروسي پوخ لخوا د ملکي خلکو قتل عام وليده. ده ته د افغانستان له راتګ نه مخکي په تورات او انجيل سره قسم ورکړ شوي و چي له خلکو سره مرسته وکړي خو په افغانستان کي ئي هغه څه وليدل چي په بشپړ ډول له قسم سره مخالف و.

نصرت الله زياتوي، که څه هم په روسيه کي دده د خپلوانو ژوند په خطر کي دي او د روسي د حکومت له عمومي عفو سره سره دي په افغانستان کي سخت ژوند ته ترجيح ورکوي او نه غواړي چي روسيي ته ولاړ شي په پاي کي نصرت الله وائي چي ده د اسلام دين ته رجوع نه ده کړي بلکي اسلام دي را جذب کړي دي.

اسلام و نوگرایی

دکتر یوسف قرضاوی

برگردان: محمود الله فیروز



□ از لابلای فرموده های شما چنین بر می آید که اسلام باید با تمدن های دیگر آشتی کند و مدرنیته شود نه این که مدرنیته، اسلامی شود و همچنان غالباً، صاحب نظران عامل عقب مانی مسلمانان را، ذاتاً و فطرتاً مسلمان بودن ارزیابی می کنند و می گویند که بسیاری مسلمانان ملتزم به دین شان نیستند یعنی به نام مسلمان هستند و از نظر آنان نوعیت مسلمان بودن بهتر از کمیت آن است و به جای صرف هزینه های هنگفت به خاطر دعوت دیگران به سوی اسلام باید به اصلاح مسلمانان فعلی پرداخت به این اساس آیا مسلمانان پایبند به دین شان بهتر از مسلمانان نا منضبط نیستند؟

■ بدون شک عصر کنونی می خواهد که اسلام مدرنیته شود نه این که مدرنیته اسلامی شود، و ما با مدرنیسم، در اسلام مخالف هستیم که به تغییر مفاهیم آن و با معیار قرار دادن اصول غربی به جای اصول اسلامی، بینجامد. ما از غرب و از تمدن غربی چیزی را اقتباس می کنیم که مناسب دین مان باشد و ما به آن نیازمند باشیم مثلاً نظام هایی سودمند را مانند نظام بهبود وضع صحی، سیستم مخابراتی و مواصلاتی را می توان از تمدن های دیگر اقتباس نمود اما هرگز از اصالت اسلامی خود تنازل نمی کنیم، چون ما در دین اسلام مسائلی را به نام "ثوابت" داریم که تغییر ناپذیرند و نیز مسلمان بودن ما بدون آنها مفهومی ندارد مانند مسائل اعتقادی ، عبادات و اصول اخلاقی و احکام شرعی قطعی چهارچوب هایی اند که تجدید و تغییر را نمی پذیرند. تجدید در اسلام به معنای تغییر مفاهیم آن مردود است و ما از دیگران به اندازه یی اقتباس می کنیم که ما را به آنان وصل نماید چون ما در دنیایی زندگی می کنیم که حیثیت یک دهکده را به خود گرفته است.

اما این که می گویند مسلمانان غالباً ملتزم به دین شان نیستند صحت ندارد زیرا که مسلمانان یگانه مردمان متدینی اند که علی رغم برخی انحراف ها و تقصیرها نسبت به دیگران بازهم به دین ملتزم تر اند. مثلاً در شب بیست و هفتم رمضان حدود دو میلیون نماز گزار در مسجد الحرام مشغول عبادت می باشند و همچنان مسلمانان در نماز های پنجگانه عقب امامان خود نماز می گزارند در حالی که مردم در جوامع غربی به جز در وقت ادای مراسم خاص به سوی کلیسا نمی روند.

□ اگر نوگرایی را در اسلام بپذیریم، جایگاهی یک سان برای زندگانی، عقل و اختراع نخواهیم یافت مانند کشورهای عربی که طرفدار نوگرایی در اسلامند در منجلاب انحراف ها غرقند، آیا این گونه نیست؟

■ نخیر! دینی را که به آن ایمان آورده ایم دینی است موافق عقل ونقل، دینی است که از گذشته ها درس می گیرد و در حال می زید و از آینده استقبال می کند، دینی است که روح و ماده، فرد و جامعه، دنیا و آخرت حقوق و مکلفیت ها را به هم می آمیزد، دینی است که مسلمانان را به سوی برادری فرا می خواند، دینی است که به شورا و عدالت ارج می گذارد، دینی است که مسلمانان را به اخلاق با مخالفان شان توصیه می کند، دینی است که به برابری میان همهٔ انسان ها اصرار می ورزد.

□ علما و فقهای پیشین در عرصه های علوم طبیعی و دینی دسترسی داشتند یعنی دایره المعارف محسوب می شدند ولی در عصر کنونی که علم تکامل یافته است و هیچ دانشمندی نمی تواند در تمام عرصه ها آشنایی کامل حاصل کند بناءً همآهنگی میان علوم طبیعی و دینی دیده نمی شود و نیز آموزشی را که ما در ممالک اسلامی فرا می گیریم در عرصه های تکنولوژی و تولید بقایی ندارد زیرا همهٔ این ها به یاد کردن و نوشتن و خلاصه کردن می انجامد بناءً علمای دین در عرصه های دیگر چگونه می توانند تکامل نمایند؟

■ درست است که قرن های گذشته عصر دایره المعارف بود ولی عصر کنونی، عصر تخصص است. مثلاً ابن رشد هم فیلسوف بزرگ بود و هم طبیب، چنانچه کتابی را دربارهٔ طب به نام (کلیات فی الطب) نوشت که اروپا از آن تاکنون بهره می برد وهمین گونه او از فقهای مذهب امام مالک محسوب می شد و در فقه نیز کتابی به نام "بدایه المجتهد و نهایه المقتصد" تألیف نمود. همچنان فخرالدین رازی طبیب و مفسر قرآن بود و در این عرصه از شهرت خاصی برخوردار بود. اما در عصر کنونی ما دکتری را سراغ نداریم که در تمام بخش های علوم طبی دسترسی داشته باشد و از همین رو است که غالباً دکتران در رشته های جراحی اعصاب، جراحی استخوان، داخلهٔ اطفال و... تخصص دارند بناءً عصرکنونی عصر انفجار معرفت و معلومات است و دانش در تمام عرصه ها فراگیر شده است. اما فقها می توانند در عرصه های دیگر از متخصصان همان عرصه ها بهره بجویند چنان که در مراکز تحقیقات اسلامی، در مسائلی که به طب مربوط باشد از دکتر آن رشته معلومات می گیرند و اگر به رشته های دیگر تعلق داشته باشد از متخصصان آن رشته می پرسند.

نکتهٔ دومی این است که نظام آموزشی کنونی در جامعهٔ اسلامی را مطلقاً نمی توان ناسالم تلقی کرد، البته که نظام آموزش دینی در ممالک اسلامی خیلی مؤثر است ولی متأسفانه نظام آموزشی عموماً در عرصه های دیگر در جامعهٔ اسلامی مخترع و تولید کننده تربیت نمی کند بلکه دانشمندانی گنگ را بار می آورد که نصاب تعلیمی تصویب شده را حفظ و روز امتحان آن را در ورق ترسیم می کنند که پس از فراغت هیچ چیزی از آن در ذهن شان وجود نمی داشته باشد از همین رو نظام تعلیمی کنونی تنها مأمور تربیت می کند و امید است که در آینده ها نظام تعلیمی بهبود یابد و افرادی نابغه به بار آورد.

□ انسان در صورتی می تواند اختراع کننده شود که در جامعه یی که او می زید اختراع و تولید وجود داشته باشد و چون در جوامع اسلامی اختراع و تولید رایج نیست بناءً نمی توان آرزوی به بار آمدن اختراع کنندگان را در سر پرورید، در این باره چه می گویید؟

■ لازم به یاد آوری است، غالباً مسلمانانی که به جامعهٔ اروپایی و امریکایی روی آروده اند و مخترع شده اند آنها عقل های مهاجر و یا پرندگان مهاجر اند که در اصل پرورده شدگان مملکت اسلامی هستند و سپس متأسفانه در خدمت اروپاییان و امریکاییان قرار گرفته اند چون برای شان جایگاهی مناسب همانند اروپا و امریکا وجود نداشته است مانند دکتر زویل که جایزهٔ نوبل را در کیمیا گرفت در حالی که او از مصر است و در همان جا پرورش یافته است و همین گونه مسلمانان مخترع بسیارند که در ممالک اروپایی و امریکایی پیشرفت نمودند و مخترع شدند.

□ بدون شک ما در بحران علمیی به سر می بریم که حتی دست نگر دیگران در این عرصه می باشیم بناءً آیا می توان مسلمان بودن را یکی از عوامل عقب مانی مسلمانان در عرصهٔ علمی شمرد؟

■ برعکس بسیاری از مسلمانانی را در تاریخ دور و درخشان اسلام داریم که نمازگزار، روزه دار و ملتزم به دین شان بودند ولی با آن هم در تمام عرصه ها پیشرفت کردند و از اسلام تمدنی بزرگ ساختند محققاً این عملکرد مسلمانان پیشین بیانگر آن است که پذیرفتن دین اسلام عامل عقب مانی مسلمانان نیست بلکه اختیار کردن روش ها و رفتارهای اسلامی سبب خیزش و پیشرفت می گردد و تاریخ گواه است ، زمانی که مسلمانان از دین شان روی گرداندند، عقب مانده شدند بناءً عواملی که موجب عقب مانی مسلمانان شده است تدین نا سالم، معلول و غلط و ترکیز آنان بر شکلیات به جای ترکیز بر معنویات می باشد.

□ چگونه شما به دین مسیحیت انتقاد می کنید در حالی که دلیلی بر آن موجود نیست؟

■ در صورتی که انتقاد ما درست نباشد مسیحیان می توانند با ما در تماس شوند و ما هرگز هیچ مسیحی را از تماس با خودمان باز نمی داریم و نیز بسیاری از آنان با ما ارتباط می گیرند و سؤال می کنند.

نا گفته نباید گذاشت، چنانچه از لابلای گفته های فوکویاما بر می آید که او بر اسلام تاخته است در حالی که می بایست او بر مسیحیت می تاخت چون اثرات ناگوار آن بر زندگی بیش از بیست میلیون انسان در قرن های هجده و نزده، در تاریخ اروپا ملموس است و همچنان او باید از عملکرد یهودیان در اسرائیل انتقاد می کرد که این چنین نکرده است بلکه تنها و تنها از اسلام انتقاد نموده و از آن به دین بنیادگرا تعبیر کرده است.

□ می گویند که نه اسلام توان پذیرفتن مدرنیسم را دارد و نه مدرنیسم اسلام را می پذیرد از همین رو بر مسلمان است که یا به عقب (اسلام) بر گردد و یا به پیش (تمدن) گام بردارد؟

■ آیا دین اسلام مسلمان را به گام برداشتن به سوی تمدن گرایی و نوگرایی نیرو می بخشد و یا آن را ناتوان می سازد؟ آیا او را تشویق می کند و یا باز می دارد؟ بدون شک دین اسلام، علی رغم این که مسلمان را توصیه می کند که به سوی تمدن گرایی و یا نوگرایی گام بردارد همان گونه به باور و اعتقاداتش باید ثابت قدم باشد.

□ از نظر بسیاری از صاحب نظران عدم اعتماد مسلمان به دین، نسب و نفسش عامل عمدهٔ عقب مانی او از تمدن است. بناءً قبل از هر کاری دیگر باید مسلمانان را بر دین شان باورمند ساخت و هر مسلمان باید بر مسلمان بودنش فخر کند نظر شما در این باره چیست؟ سوال دیگر این که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده است: "بهترین قرن ها قرنی است که من در آن زندگی می کنم وسپس قرنی که به این قرن نزدیک است و همین طور قرن های دیگر" و همچنان خداوند متعال در بسا موارد در قرآن کریم مسلمانان را به ترک دنیا تشویق می کند چنانچه می فرماید: "شما را زندگانی دنیا فریب ندهد" بناءً پرسش اساسی این است که ما به کدام سو روی آوریم، آیا همسان شدن با جهان پیشرفته و تکنولوژی چنان که غربی ها می خواهند، تمدن است و یا این که ما به داشته های زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم برگردیم و به فرموده های خداوند متعال عمل نماییم؟

■ بدون شک ما نیازمندیم تا به مسلمانان اذعان کنیم که دین اسلام دین عزت، شرافت و افتخار است و باور داشته باشند که هیچ راهی برای کامیابی و پیشرفت وآبروی آنان جز روی آوردن به دین شان وجود ندارد و البته منظورم از روی آوردن آنان به دین اسلام و پذیرفتن آن با تمام ابعادش در زندگی شان هست نه این که بر مسائل عبادی توجه نمایند و معاملات را ترک گویند، مسجد بروند اما کارخانه، دیوان و محکمه را فراموش کنند و نباید مصداق فرمودهٔ خداوند متعال شوند که چنین است: "آیا ایمان می آورید به برخی از کتاب و کفر می ورزید به برخی دیگر آن" این است دینی که ما به آن باور داریم و ما را خدا به سوی آن فرا می خواند: "و فیصله کن میان آنان به اساس فرمودهٔ پروردگار و پیروی مکن از خواهشات آنان و بترس از آنان تا ترا از فیصله کردن به برخی از احکام خداوند متعال باز دارند". به این اساس من باور دارم که اسلام یک وصف کامل است، مانند نسخهٔ دکتر که انسان بیمار باید آن را با تمام معنی بر خودش تطبیق نماید و اگر چیزی از آن را ترک نماید ممکن برایش زیانبار باشد از همین رو انسان باید الزاماً به تمام معنی اسلام را در زندگی خویش تطبیق کند.

مسلمانان باید بدانند که آنها مکلفند برای هر دو زندگانی (دنیا و آخرت) کارکنند نه این که در مسجد مسلمان باشند ولی در خارج از مسجد کارهای غیر اسلامی را انجام بدهند و چنان که پیشتر نیز گفتم مسلمان باید با تمام معنی اسلام را در زندگی عملی سازد و این که زندگانی ما کاملاً باید اسلامی باشد معنایش این نیست که ما استفاده از وسایل مرفه و مزین را از زندگی خود دور سازیم چنانچه خداوند متعال می فرماید: "بگو ای پیغمبر کی زینت ها و رزق حلالی را که خداوند برای بندگانش مهیا نموده است، بر آنان حرام گردانید؟" یعنی هیچ کسی استفاده از وسایل زینت بخش و مرفه را حرام قرار نداده است و این فرمودهٔ خداوند متعال رد بر آنانی است که معنای این فرموده های خداوند متعال را ندانسته اند که "شما را فریب ندهد زندگانی دنیا" و "زندگانی دنیا به جز از ساعت تیری چیزی بیش نیست" البته معنای آیت های مزبور این نیست که ما تنها برای آخرت زندگی کنیم و دنیا را فراموش کنیم برعکس باید مسلمانان برای هر دو زندگانی (دنیا و آخرت) یکسان بکوشند و از همین روست که صحابهٔ کرام گفته اند "برای دنیایت چنان کار کن که گویا برای همیش در آن زنده هستی و برای آخرتت چنان کار کن که گویا فردا می میری" و نیز رسول خدا صلی الله فرموده است "اگر روز قیامت فرا رسید و در دست یکی از شما دانه یی از خرما بود، اگر برای او تا برپایی قیامت فرصت شاندن همان دانه باشد، باید آن را غرس نماید" این گفته های پیامبر خدا و صحابهٔ کرام همان آیات را تفسیر می کند که باید برای دنیا و آخرت تا آخرین رمق زندگانی بکوشیم تا جنبهٔ مادی و معنوی ما یکسان بهبود یابد.

لازم به یاد آوری است که رفتن به سوی تمدن را نه رسول خدا و نه صحابهٔ کرام منع کرده است چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و سلم برای صحابهٔ کرام فرمود: "شما در بارهٔ زندگانی دنیای تان بهتر می دانید" حتی رسول خدا در زمان زندگانیش از مسلمانان احصائیه گیری کرد و این کار بیانگر آن است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم در هر کار برنامه داشت ص ۶

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم　سال چهارم　شمارهٔ ۱۳　چهارشنبه ۱ سرطان ۱۳۸۴　۱۵ جمادی الأول ۱۴۲۶ – 22 June 2005

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار

نه به این شوری شور، نه به آن بی نمکی!

در سالروز مرگ احمد ظاهر آواز خوان مشهور کشور، شاهد برگزاری مراسم در مزار وی بودیم. در این مراسم جمعی از خوانندگان با ساز و سرود و آواز، یاد احمدظاهر را گرامی داشتند. در این مراسم آقای سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ نیز حضور داشت. نامبرده در حالی که دانه های تسبیح را مانند معمول می شمرد، با آهنگ (مره مره مره می بده جام پیاپی بده!) سر را به علامت تأیید می جنبانید!

برگزاری چنین مراسمی بر سر مقابر در کشور ما بی سابقه است. مردم ما معمولاً با حضور در مقابر به روان گذشتگان اتحاف دعا می نمایند و قرآن مجید تلاوت می کنند اما وزارت اطلاعات و فرهنگ به شیوع فرهنگ دیگری کمر بسته است. مقبرهٔ احمد ظاهر در دورهٔ جنگ ها صدمه دیده بود و آنچه که بر جا مانده بود در دورهٔ طالبان ازمیان رفت. بعداً این مقبره بازسازی گردید. در مقایسه میان عملکرد طالبان و آنچه که وزارت اطلاعات و فرهنگ برپا نمود بار دیگر به مشکل افراط و تفریط در جامعهٔ خویش متوجه می شویم. ما هیچگاه راه وسط را نشناختیم و هیچ رنگی جز سیاه و سفید به چشم ما آشنا نیست. گردانندگان چنین محافل حتی نمی دانند که حرمت مقابر تا چه حد برای مردم ما مهم است.

ما به این باوریم که دست زدن به چنین اعمال ناعاقبت اندیشانه به جای این که به نفع فرهنگ کشور ما باشد به نفع دشمنان صلح و امنیت در کشور است و دادن حربهٔ تبلیغاتی به دست کسانی که در تلاش اند تا قیام علیه دولت را در اذهان ملت مشروعیت بخشند.

مقایسهٔ این اعمال با دوران طالبان، ما را به یاد این ضرب المثل می اندازد: نه به این شوری شور، نه به آن بی نمکی!!

پاک افغان دوستی زنده باد!

در چند هفتهٔ اخیر حملات طالبان در مناطق جنوب و جنوب غرب کشور افزایش یافته و موجب کشته شدن عده یی از نیروهای دولتی گردیده است. در موردی حتی طالبان موفق شدند تا ولسوالی میانشین در کندهار را نیز تصرف کنند.

شکی نیست که چنین حملات بدون پشتیبانی از خارج اگر نگوییم ممکن است لااقل می توان گفت دشوار است و پاکستان به عنوان کشوری که بیشترین نفوذ را بر طالبان دارد در این رابطه بدون نقش و اثر نیست.

عجیب این جاست که هر یک از احزاب پاکستان تا زمانی که در اپوزسیون قرار دارند دولت حاکم را به خاطر دخالت در امور افغانستان محکوم می کنند اما زمانی که هر یکی از این احزاب خود به قدرت می رسند به همان راهی می روند که دیگران را به خاطر آن مقصر می دانستند، مشخص نیست که در این سیاست چه مصلحت و چه منفعتی نهفته است؟

کرزی و خلیلزاد قبل بر این هر دو بر این سیاست پاکستان انتقاد داشتند که اکنون این انتقادات با شدت بیشتری مطرح شده است کرزی در گردهمایی شورای علما طی سخنرانی خود پاکستان را متهم نمود که سیاست دوگانه دارد و از پشت خنجر می زند.

سخنان کرزی نشان می دهد که کارد به استخوان دولت کابل رسیده است و هر روز عده یی از افغانستانی ها در نتیجهٔ حملات سازماندهی شده از آن سوی مرز، جان می بازند اما در کابل به روی سرویس های شهری که از طرف پاکستان به افغانستان هدیه داده شده است این جملات با خط درشت خود نمایی می کند:

پاک افغان دوستی زنده باد و تصویر دو دستی که همدیگر را می فشارند!

انتقاد زلمی خلیلزاد از کشور پاکستان

سخنگوی وزارت خارجهٔ پاکستان:

ادعای آقای خلیلزاد بی مسؤولانه و غیر دپلماتیک است

زلمی خلیلزاد سفیر پیشین امریکا در افغانستان با انتقاد از دولت پاکستان گفته است که آن کشور در تلاش ها برای بازداشت ملا محمد عمر رهبر گروه طالبان و سایر سران این گروه و شبکهٔ القاعده که در پاکستان به سر می برند موفقیتی نداشته است.

آقای خلیلزاد در آخرین اظهارات خود قبل از ترک افغانستان در مصاحبه با تلویزیون خصوصی آیینه گفت: احتمال زیادی وجود دارد که ملا محمد عمر و شماری دیگر از رهبران گروه طالبان و القاعده در کشور پاکستان مخفی شده باشند. وی با اشاره به نشر مصاحبهٔ ملا عثمانی یکی از سران گروه طالبان از یک تلویزیون پاکستان گفته است این موضوع می رساند که دولت پاکستان به تمامی اعضای بلند پایهٔ گروه طالبان دسترسی دارد.

خلیلزاد همچنین گفته است که پیروزی افغانستان به سود پاکستان خواهد بود و مقامات پاکستانی باید در زمینهٔ بازداشت چهره های کلیدی طالبان بیش تر تلاش کنند. دولت پاکستان ادعای زلمی خلیلزاد را مبنی بر موجودیت اسامه بن لادن رد کرده است. جلیل عباسی سخنگوی وزارت امور خارجهٔ پاکستان در گفتگویی با بی.بی.سی ادعای آقای خلیلزاد را غیر مسؤولانه و غیر دپلماتیک خواند و گفت: گفتگوی تلویزیونی فرمانده طالبان موجودیت اسامه بن لادن و ملا محمد عمر را در پاکستان به اثبات نمی رساند.

جلیل عباسی علاوه کرد: آقای خلیلزاد از موضع گیری های غیر مسؤولانه باید دست بردارد و اگر در مورد اسامه بن لادن و ملا محمد عمر اطلاعی دارد بنا بر مسؤولیت، اطلاع خود را در اختیار دولت های افغانستان، امریکا و پاکستان بگذارد، آقای عباسی خلیلزاد را متهم به موضع گیری و روش تند علیه دولت پاکستان کرد و روش او را برخلاف موضع گیری امریکا با پاکستان عنوان کرد و گفت: دولت امریکا در مبارزه علیه تروریزم حامی و همکار نزدیک دولت پاکستان می باشد وی همچنان اظهار داشت: این از اصول دپلماتیک کاملاً به دور است که سفیر یک کشور در کشور دومی پیرامون کشور سومی نظریات غیر مسؤولانه داشته باشد.

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری ایران روز جمعه برگزار خواهد شد

در انتخابات ریاست جمهوری، جمهوری اسلامی ایران که هفت تن به رقابت پرداخته بودند و هیچ کدام پنجاه در صد آرا را به دست نیاوردند از جمله دو تن (هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی نژاد) به عنوان دو نامزد پیشتاز در انتخابات روز جمعه ۳ سرطان برای دور دوم، به رقابت خواهند پرداخت.

مقامات جمهوری اسلامی ایران گفته اند که در انتخابات دور اول نشانه یی از تقلب و دستکاری را پیدا نکرده اند. اما برخی از کاندیداها، از جمله مهدی کروبی که در درجهٔ سوم قرار گرفته بود شورای نگهبان، سپاه پاسداران و نیروهای بسیج را متهم به اعمال نفوذ در انتخابات و دخالت غیر قانونی در اعلام نتایج انتخابات کرده اند.

سرنوشت ریاست جمهوری اسلامی ایران در دور دوم رأی گیری در روز جمعه روشن خواهد شد.

ظاهر نایب زاده در یک حادثهٔ ترافیکی جان باخت

ظاهر نایب زاده فرمانده پیشین فرقهٔ ۱۷ هرات در یک حادثهٔ ترافیکی در شاهراه کابل ـ سالنگ به تاریخ ۳۰ جوزا وفات یافت.

به گزارش خبرگزاری پژواک موتر حامل وی هنگامی که به سوی کابل در حرکت بود با کوه برخورد نمود و ژنرال مذکور هلاک و چهار نفر از همراهانش مجروح شدند.

به گفتهٔ یک منبع شفاخانهٔ اردو قسمتی از سر نایب زاده در این حادثه کاملاً از بین رفته است، ولی همراهان وی جراحت سطحی برداشته اند.

نایب زاده در قتل میرویس صادق فرزند ارشد اسماعیل خان متهم بود. میرویس صادق در حمل ۱۳۸۳ در یک درگیری مسلحانه با نایب زاده به قتل رسید.

ستا له خیره مو توبه خو ضررمه را رسوه!

پامیر

په دي وروستيو وختو کي د افغانستان د اسلامي جمهوريت د کورنيو چارو وزير محترم علي احمد جلالي د بي.بي.سي راډيو د کردي ميز په يو پروګرام کي د ګاونډي هيواد پاکستان د ځينو خاصو کړيو څخه سرټکونه وکړه چي په دوامداره توګه دهغه هيواد له جنوبي او ختيځو پولو څخه را اوړي او په افغانستان کي ديني عالمان وژني، بمونه چوي، لاري او پلونه ړنګوي او زمونږ د بيا رغاوني روان بهير له خنډونو سره مخامخ کوي.

کله چي له دوي څخه پوښتنه وشوه هغه کوم هيواد دي چي تا سو ورسره په پوله کي امنيتي ستونزي لري او له هغه خايه ترهګر افغانستان ته رااېږل کېږي او دغه ترهګر بيا له وژنو، وحشيت پيدا کولو او ورانکاري وروسته بيرته له پولي څخه اوړي، دوي وويل هر څوک پوهيږي چي دا د پاکستان خاوره ده او په پاکستان کي بيا خاصي کړي دي چي نه غواړي زمونږ په هيواد کي سوله او ثبات پيدا شي او زمونږ خلک د خپل وران هيواد د بيا جوړوني امکانات تر لاسه کړي. په خان بسيا او د نورو له مرستي ني لاسونه راټول شي.

دوي د خپلو خبرو په دوام د پاکستان له چارواکيو څخه ګيله وکړه چي په خپله خاوره کي ني د افغانستان د مشروع او انتخابي دولت دښمنانو ته ځاي ورکړي او کله چي دلته زمونږ په هيواد کي دغه ترهګر چي په پاکستان کي روزل شوي، تمويل شوي او ورانکاري ته هڅول شوي خلک وروژني او يا د سولي او ثبات په وړاندي وسله وال بريدونه وکړي نو موږ وينو چي بياني اواز له کراچي، کويټي او يا يو بل ښار څخه د راډيو له لاري اوچت شي او د پيښي مسئوليت پخپله غاړه واخلي.

۵مخ

ولسوالی میانشین کندهار از طالبان بازپس گرفته شد

بر اساس اظهارات سخنگوی طالبان، افراد وابسته به این گروه ۳۱ تن از کارکنان ملکی و نظامی ولسوالی میانشین ولایت کندهار را روز شنبه ۲۸ جوزا به اسارت برده اند.

حکیمی سخنگوی طالبان گفته است که اسیران را در یک دادگاه محاکمه خواهند کرد. یک مقام ولایت کندهار تأیید کرده است که ملک گل محمد ولسوال میانشین و نانی خان فرمانده امنیتی این ولسوالی با ده نفر دیگر زمانی که دو روز قبل به سوی شهر کندهار روان بودند در یک کمین از سوی اعضای گروه طالبان به اسارت گرفته شدند.

ص ۶